



بنیاد شیرین عبادی  
SHIRINEBADI  
FOUNDATION

موسی برزین

# حقوق کودک

حقوق به زبان ساده

راهنمای حقوق کودک  
در قوانین جمهوری اسلامی





[www.ShirinEbadiFoundation.org](http://www.ShirinEbadiFoundation.org)



<https://T.me/ShirinEbadiOfficial>



[info@ShirinEbadiFoundation.org](mailto:info@ShirinEbadiFoundation.org)



Scan Me



بنیاد شیرین عبادی  
SHIRINEBADI  
FOUNDATION

حقوق به زبان ساده

# حقوق کودک

موسی برزین

راهنمای حقوق کودک  
در قوانین جمهوری اسلامی



۱ ۴ ۰ ۴  
2 0 2 5

بنیاد شیرین عبادی

Shirin Ebadi Foundation

حقوق کودک

The children's right

ویراست اول

منطبق با مقررات جدید

عنوان کتاب: حقوق کودک

عنوان فرعی کتاب: راهنمای حقوق کودک  
در قوانین جمهوری اسلامی

نویسنده: موسی برزین

طراحی گرافیک متن و جلد:

استودیوی انتشارات بنیاد شیرین عبادی

ناشر: نشر الکترونیک بنیاد شیرین عبادی  
[www.shirinebadifoundation.org](http://www.shirinebadifoundation.org)

[نوبت انتشار: نخست/ الکترونیک/ ۱۴۰۴]

ح) کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

© Shirin Ebadi Foundation 2024

# فهرست

آنچه در این کتاب می‌خوانید:

۳۵ | هزینه یا نفقه کودک

۳۶ | نگهداری کودک

۴۲ | اداره اموال کودک

۴۶ | حق بر آموزش

۵۱ | حق بر سلامتی

۵۵ | حق مشارکت در تصمیم‌گیری

۵۸ | حق داشتن استاندارد کافی برای زندگی

۶۰ | حقوق مدنی و سیاسی کودک

۶۲ | حقوق کودک در فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای

۶۷ | کودک و حق بر حفظ حریم خصوصی او

حقوق کودک در دادرسی‌ها و حمایت از کودک بزهکار

با بزه‌دیده

۷۶ | جرایم ارتكابی کودکان

۸۰ | جرایم ارتكابی علیه کودکان

۸۲ | وضعیت مخاطره‌آمیز کودک

۸۴ | حقوق کودکان دارای معلولیت

فرزندخواندگی

۹۱ | برخی از چالش‌های مهم کودکان ایران

پیش‌گفتار

۸ | مقدمه

حقوق کودک چیست؟

نواع تقسیم‌بندی حقوق کودک

چرا باید همه شهروندان از حقوق کودکان

اطلاع داشته باشند؟

چه کسانی باید حقوق کودک را رعایت کنند؟

وظیفه دولت چیست؟

متولی نظارت بر حقوق کودک کیست؟

چه قوانین و مقرراتی در مورد حقوق کودک

وجود دارد؟

کودک کیست؟ شروع کودکی و پایان کودکی

قاعده مصلحت‌عالیه کودک چیست؟

اصل منع تبعیض چیست؟

حقوق کودک با ولادت و تکالیف والدین

# پیش‌گفتار

شیرین عبادی

◆ هر کودک با تولد دارای حقوقی است که رعایت و تحقق آن بر همگان (اعم از دولت، والدین و شهروندان) ضروری است و به عبارت دیگر «حقوق کودک» همان حقوق بشر است. در کل، چون کودکان قادر به تأمین و دفاع از حقوق خود نیستند دایره شمول افرادی که ملزم به رعایت این حقوق هستند گسترده‌تر و ضمانت اجرای آن بیشتر است. در حقوق کودک نکته مهم، سن پایان کودکی است. در پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ با حفظ شروطی به آن ملحق شده، سن پایان کودکی ۱۸ سال تمام تعیین شده است و به این جهت صدور حکم اعدام و اجرای آن برای افرادی که در سنین کم‌تر از ۱۸ سال مرتکب جرم می‌شوند مطلقاً ممنوع است. اما جمهوری اسلامی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ قوانینی را تصویب کرده که صدور حکم و اجرای چنین مجازاتی را مجاز می‌داند. البته این کار مورد اعتراض مجامع بین‌المللی بوده و بارها به دولت بابت تخلف از آن تذکر داده شده و علیه این رفتار قطعنامه صادر شده است. مهم‌تر از همه آنکه در قوانین ایران پایان سن کودکی برای تمامی امور اجتماعی و فعالیت‌ها یکسان نیست؛ از جمله پایان کودکی در گرفتن پاسپورت، خروج از کشور، شرکت در انتخابات یا سن ازدواج متفاوت است. یکی دیگر از مسائل مهم حقوق

کودک، موضوع کار کودکان است که فقط در شرایطی خاص می‌توان از نیروی کار کودکان استفاده کرد.

مطالب فوق و سایر موضوعات مربوط به حقوق کودکان در کتاب حاضر به زبان ساده و غیرتخصصی شرح داده شده و مطالعه آن به والدین و سایر افرادی که با کودکان در ارتباط هستند توصیه می‌شود. در احترام به حقوق فرهنگی گروه‌های ایرانیان، این کتاب هم مانند سایر کتاب‌های «بنیاد شیرین عبادی» به زبان‌های بلوچی، ترکی، کردی و عربی منتشر و در دسترس هموطنان گرامی قرار می‌گیرد. کتاب صوتی آن نیز برای افرادی که قادر به استفاده از متن کتبی نیستند تهیه و متعاقباً منتشر خواهد شد.

## مقدمه

«♦♦» با پیدایش و رشد اندیشه‌های انسان‌محور، کودک نیز به یکی از مقوله‌های مهم در حوزه مطالعات حقوق بشر تبدیل شد. در این اندیشه، کودک موجودی تلقی نمی‌شود که صرفاً برای بقای نسل آدمی به وجود آمده؛ بلکه کودک موجودی است صاحب حق. در این راستا تمامی کشورها تلاش کردند تا با پیش‌بینی تدابیری، رشد کودک را در یک محیط سالم و به دور از خشونت فراهم کنند. از طرف دیگر، با توجه به وضعیت جسمی و روانی کودک و از آنجا که برای رشد نیازمند دیگران از جمله والدین است، تدابیری پیش‌بینی شد تا کودک مورد سؤاستفاده قرار نگیرد. به این ترتیب «حقوق کودک» به شاخه مهمی از حقوق بشر تبدیل شد و علاوه بر قوانین داخلی کشورها، تلاش‌های بین‌المللی بسیاری برای حمایت از کودکان شکل گرفت. اسناد بی‌شمار منطقه‌ای و بین‌المللی تنظیم شد و سازوکارهایی برای نظارت بر رفتار دولت‌ها شکل گرفت. دولت‌ها موظف شدند که امور کودک را در دستان فرهنگ جامعه یا والدین قرار ندهند، بلکه خود نیز برای صیانت از حقوق آن‌ها مداخله کنند.

در کشور ایران نیز همین‌گونه است: قوانینی در حوزه حقوق کودک به تصویب رسیده و تلاش‌هایی برای

تعالی و رشد سالک کودک انجام شده است. همچنین در ایران تحقیقات ارزنده‌ای در حوزه حقوق کودک صورت گرفته.

این تحقیق‌ها ممکن است برای عموم شهروندان چندان قابل فهم نباشد، زیرا معمولاً تحقیقاتی که در این حوزه انجام می‌شود تخصصی هستند. به همین خاطر در این کتابچه سعی شده که کودک از منظر حقوقی بررسی شود و حقوق کودک با زبان و ادبیات ساده و همه‌فهم توضیح داده شود. در کتابچه حاضر به قوانین بین‌المللی و داخلی اشاره شده و چالش‌های که مقابل حقوق کودک در کشور وجود دارند بررسی شده است.

## حقوق کودک چیست؟

عواملی مثل آسیب‌پذیری کودکان از لحاظ جسمی و روانی، وابستگی شدید آن‌ها به بزرگسالان، و همچنین لزوم آمادگی آن‌ها برای به‌عهده‌گرفتن مسئولیت‌هایی در آینده، ایجاب می‌کند تا پاره‌ای حمایت‌ها از کودکان صورت گیرد. به همین دلیل با رشد اندیشه‌های حقوق بشری در دهه‌های اخیر، توجه به کودک و منافع او در قوانین کشورها و همچنین پیمان‌نامه‌های بین‌المللی دوچندان شده است. حقوق کودک به زبان ساده، مجموعه امتیازاتی است که در قوانین برای کودکان اختصاص داده شده تا زندگی آن‌ها در شرایطی خوب و استاندارد بگذرد. در مقابل، همین قوانین برای تضمین رعایت حقوق کودک وظایفی را به عهده دولت‌ها، خانواده‌ها و دیگر افراد مرتبط گذاشته است. به عبارتی قوانین از یک‌طرف امتیازاتی برای کودکان در نظر گرفته، و از طرف دیگر برای تحقق یافتن این امتیازها تکالیفی را برای سایرین پیش‌بینی کرده است. «حقوق کودک به زبان ساده» توضیح این امتیازات و تکالیف است. مصادیق حقوق کودک پُرشمار است، اما مهم‌ترین حقوقی که یک کودک دارد عبارتند از: حق حیات، حق آموزش، حق تغذیه سالم، حق زندگی در کنار خانواده، حق داشتن رفاه، حق آزادی فکر و بیان، حق سلامتی و حق رشد.

## انواع تقسیم‌بندی حقوق کودک

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی می‌توان نسبت به حقوق کودک ارائه داد. مثلاً در یک تقسیم‌بندی، حقوق کودک به دو دسته: مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود. مالی مانند حق نفقه، و غیرمالی مانند حق آموزش. یا در چهارچوب دیگری می‌توان حقوق کودک را

به دو دسته: مدنی و کیفری تقسیم‌بندی کرد. مدنی مانند حق داشتن اسم یا تابعیت، کیفری مانند اینکه در محاکمات کیفری کودک متهم باید از خدمات وکیل استفاده کند. تقسیم‌بندی‌های موجود در مورد حقوق کودکان صرفاً جنبه تحقیقاتی دارند، یعنی بعضی از نویسندگان برای مطالعه و انجام تحقیق این دسته از تقسیم‌بندی‌ها را انجام می‌دهند. در عمل، این تقسیم‌بندی‌ها کاربردی ندارند.

## چرا باید همه شهروندان از حقوق کودکان اطلاع داشته باشند؟



دهه‌ها پیش، بسیاری بر این عقیده بودند که والدین یا سرپرست کودک در مورد او اختیار تام دارند و رابطه بین کودک و سرپرستش یک رابطه شخصی است و کسی نمی‌تواند در آن دخالت کند. به همین دلیل بود که اگر کودکی توسط سرپرست یا والدین خود مورد خشونت قرار می‌گرفت عمدتاً هیچ فردی در آن دخالت نمی‌کرد و شاید این امری طبیعی و عادی هم بود. به عبارتی تنبیه کودک یک مقوله معمول محسوب می‌شد. از طرف دیگر بسیاری از مصادیقی که امروزه به عنوان «خشونت علیه کودک» شناخته شده‌اند، در گذشته نوعی تأدیب و چه بسا ارزش محسوب می‌شدند. با ظهور افکار جدید در حوزه حقوق بشر و همچنین تحقیقات بسیاری که انجام گرفت، ثابت شد که رفتارهایی از جمله ضرب و جرح کودک یا بدرفتاری کلامی و روانی با او، نه تنها نتایج مثبتی ندارد بلکه رشد و تعالی کودک را به مخاطره می‌اندازد. به همین دلیل، رفتار بد با کودک یا خشونت علیه او دیگر یک مسئله شخصی در درون خانواده نیست و همه شهروندان به نوعی

در چهارچوب قانون با آن مواجه شده و مثلاً این اختیار را یافتند که موارد کودک‌آزاری را به مراکز مربوطه گزارش دهند.

در این راستا، شهروندان نخست باید بدانند که کودک چه حقوقی دارد و مصادیق خشونت علیه کودک یا نقض حقوق او کدام هستند. از طرف دیگر، شهروندان باید بدانند که در مواجهه با نقض حقوق کودکان چه ابزارهایی برای مقابله با آن دارند. در قوانین اکثر کشورهای از جمله ایران، خشونت علیه کودکان جرم‌انگاری شده و این جرایم در ردیف «جرایم عمومی» محسوب شده‌اند. یعنی هر شهروندی می‌تواند آن را به مقامات مربوطه گزارش دهد. به همین خاطر آگاهی از حقوق کودک برای انجام وظیفه شهروندی اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین ممکن است والدین یا سرپرست کودک یا سایر افراد از اینکه واقعاً چه رفتاری خلاف حقوق کودک است اطلاعاتی نداشته باشند و رفتاری که می‌تواند به کودک آسیب برساند را عادی تلقی کرده و مرتباً تکرار کنند. به عنوان مثال در سال‌های اخیر به اشتراک گذاشتن تصویر کودکان در فضای مجازی - به مقاصد مختلف از جمله کسب درآمد- رایج شده. در بعضی مواقع کودک به اجبار مقابل دوربین قرار می‌گیرد و گاهی تصاویری از او منتشر می‌شود که احتمالاً در آینده موجب شرم او شود. شاید خیلی از شهروندان ایرادی در انتشار تصاویر کودکان نبینند اما در سال‌های اخیر تحقیقات علمی نشان داده است که این مقوله می‌تواند به روان کودک آسیب وارد کند. از همین رو در بسیاری از کشورها قوانینی تصویب شده تا از کودکان در فضای مجازی حمایت کند. آگاهی از این مقررات خود می‌تواند رفتار شهروندان را در قبال کودکانی که در فضای مجازی حضور دارند، با مصالح کودک منطبق‌تر کند. به عنوان مثالی دیگر، می‌توان به حق

آموزش رایگان برای کودکان و وظیفه دولت برای تأمین این حق اشاره کرد. طبق قوانین، طلب پول از سوی مدارس دولتی ممنوع است. شهروندان با آگاهی از مسئله پی خواهند برد که این رفتار مدارس خلاف حقوق کودک است و می‌توانند اعتراض کنند. باید توجه داشت که اولین قدم برای بهبود شرایط زندگی، آگاهی از مقرراتی است که آن شرایط را پیش‌بینی کرده‌اند.

## چه کسانی باید حقوق کودک را رعایت کنند؟ وظیفه دولت چیست؟



در دو بخش قبلی توضیح دادیم که کودکان بر اساس قوانین، دارای حقوقی هستند. هر جا که از حق سخن گفته شود در مقابلش تکلیف یا وظیفه وجود دارد. یعنی در یک سو صاحب حق وجود دارد، و در سوی دیگر کسی که باید این حق را رعایت و تضمین کند. در یک نگاه کلی شاید بتوان گفت که همه شهروندان موظف به رعایت حقوق کودک هستند (از جمله والدین و سرپرستان کودک) اما کسی که باید این حقوق را تضمین کند و سازوکارهایی برای رعایت حقوق کودک پیش‌بینی کند دولت است. به عنوان مثال اگر می‌گوییم کودک حق آموزش دارد، این دولت‌ها هستند که باید زمینه‌های آموزش کودکان را فراهم کنند. از جمله اینکه والدین را مجبور کنند تا کودکان را در مدارس ثبت‌نام کنند، یا مدارس با امکانات آموزشی کافی برای کودکان احداث کنند. یا مثلاً اگر می‌گوییم کودک نباید در معرض تبعیض جنسی، دینی یا نژادی قرار گیرد؛ این دولت است که باید با تصویب قوانین و مقررات لازم، تبعیض‌های موجود و احتمالی را حذف کند. به عبارتی این دولت است که اگر حقوقی از کودک نقض شود باید

پی گیری کند و اگر جرمی هم رخ داده باید با مجرم برخورد کند. به عبارت دیگر دولت‌ها موظفند که با پیش‌بینی سازوکارهایی از طریق تصویب قوانین، آنچه را که حقوق کودک نامیده می‌شود تضمین کنند.

## متولی نظارت بر حقوق کودک کیست؟

بر اساس قوانین و مقررات ایران نهادهای مختلفی در ارتباط با حقوق کودکان دارای وظایفی هستند. از جمله اینکه «سازمان بهزیستی کشور» باید در مورد کودکان بی سرپرست و بدسرپرست اقداماتی انجام دهد. یا مثلاً نیروی انتظامی در مورد خشونت علیه کودک دارای وظایفی است. همچنین اداره کار در مورد به‌کارگیری کودکان باید اقداماتی را انجام دهد. قوه قضاییه نیز در کل مسئولیت پیشگیری از جرایم علیه کودکان و همچنین رسیدگی به خشونت علیه کودک و اتخاذ تدابیر حمایتی از کودکان در معرض آسیب را دارد. در بخش‌های بعدی حسب مورد درباره وظایف ارگان‌های مختلف توضیحات مفصل‌تری خواهیم داد اما در این بخش وظایف مهم‌ترین نهادهای مرتبط با حقوق کودک را به صورت خلاصه بیان می‌کنیم:

**۱. سازمان بهزیستی:** سازمان بهزیستی نقش بسیار موثری برای پیشگیری از نقض حقوق کودک و همچنین حمایت از کودکان آسیب‌دیده دارد. به عبارتی سازمان بهزیستی اصلی‌ترین متولی حقوق کودک در ایران است. در قوانین مختلف وظایفی به عهده این سازمان قرار داده شده که در صورت انجام آن‌ها بخش قابل توجهی از مشکلات کودکان در جامعه می‌تواند حل شود. اما متأسفانه سازمان بهزیستی از جهات مختلف با مشکلات عدیده‌ای

مواجهه است. این سازمان هم از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ نیروی انسانی و همچنین بودجه، ضعف‌های بسیاری دارد. به همین دلیل نتوانسته است آنچه را که در قانون به عهده‌اش گذاشته شده انجام دهد. به هر صورت، مهم‌ترین وظایف این سازمان عبارت است از:

- حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست به شیوه‌هایی مانند نگهداری در مراکز بهزیستی یا پیدا کردن خانواده برای آن‌ها.
- انجام اقدامات پیشگیرانه از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان.
- انجام اقدامات حمایتی از کودکان خیابانی از طریق جذب و اصلاح آن‌ها.
- مشارکت در انجام تحقیقات مرتبط با حقوق کودکان.

## ۲. دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه: بر اساس

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، باید در هر استان و با تشخیص رئیس قوه قضاییه در شهرستان‌ها نهادی با عنوان «دفتر حمایت» در زیرمجموعه دادگستری استان تشکیل شود. طبق اخبار موجود تاکنون در برخی از استان‌ها چنین دفترهایی تشکیل شده، اما خبرهای رسیده حاکی از آن است که دادگستری استان‌ها صرفاً یک اتاق را به این مورد اختصاص داده و عملاً وظایفی که به عهده این نهاد گذاشته شده انجام نمی‌شود. به هر حال وظایف دفاتر حمایت به شرح زیر است:

- انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی، همچنین پایش و ارزش‌یابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای قانون حمایت از اطفال.
- مداخله فوری قضایی به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال

و نوجوانان در معرض خطر شدید و قریب‌الوقوع، یا جلوگیری از بیش‌تر آسیب‌دیدن آن‌ها.

- ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی و تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه‌دیده.

- ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه‌دیده، با معرفی آنان به بهزیستی یا سایر نهادهای مربوط.

- تهیه و ارائه گزارش از وضعیت طفل و نوجوان موضوع این قانون و درخواست اتخاذ اقدامات حمایتی - قضایی از مراجع قضایی صالح.

- نظارت بر حسن اجرای آراء و تصمیمات مرتبط با طفل و نوجوان، همچنین اجرای آراء و تصمیمات ارجاعی توسط مقام قضایی، و پی‌گیری و پایش وضعیت او پس از اجرای رأی با تصمیم و ارزش‌یابی اقدامات انجام شده.

- تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری و انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی مرتبط با طفل و نوجوان.

### ۳. نیروی انتظامی: این نهاد به عنوان ضابط عام دادگستری،

طبیعتاً نقش موثری در کشف و پی‌گیری جرایم علیه کودکان دارد. در قوانین مربوطه پیش‌بینی شده که نیروی انتظامی باید «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» را تشکیل دهد. مأموران ویژه باید آموزش‌های خاصی دیده و برای انجام این وظیفه آمادگی روانی و جسمی لازم را داشته باشند. بر اساس قانون حمایت از اطفال، نیروی انتظامی در رابطه با حقوق کودک وظایف زیر را دارد:

- نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه‌شدن

با آنان در حین اجرای وظیفه یا شکایت از آنان، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور با مراجع قضایی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط اقدام کند.

- در مأموریت‌های مددکاران اجتماعی و انجام وظایف محوله در اجرای این قانون، حسب تقاضا جهت تأمین امنیت آنان و نیز اطفال و نوجوانان موضوع مأموریت، اقدام قانونی لازم را به عمل آورد.

- وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و جرایم علیه اطفال و نوجوانان بزه‌دیده را حسب مورد به مراجع ذیصلاح قضایی و سازمان بهزیستی کشور گزارش نماید.

**۴. وزارت کشور:** این وزارتخانه نیز وظایف مهمی در ارتباط با حقوق کودکان دارد. به این نحو که متولی اصلی ساماندهی کودکان فاقد اوراق هویتی و همچنین شناسایی کودکانی است که از تحصیل باز مانده‌اند. قانون حمایت از اطفال این وظایف را به عهده وزارت کشور گذاشته است:

- با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانانی که اسناد سجلی یا هویتی ندارند (اعم از اتباع ایرانی و غیرایرانی) و معرفی آنان حسب مورد به نهادهای حمایتی، آموزشی، درمانی یا قضایی جهت اقدامات حمایتی اقدام کند.

- از طریق «سازمان ثبت احوال کشور» با همکاری سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن، هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید اسامی و نشانی اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده‌اند، به تفکیک مناطق به وزارت آموزش و پرورش اعلام کند.

**۵. وزارت بهداشت:** این وزارتخانه بر اساس قانون حمایت از اطفال، موظف به انجام اقدامات زیر است:

- تدوین دستورعمل‌های بهداشت کار و مراقبت پزشکی برای انطباق شرایط کار نوجوانان با استانداردهای لازم.

- پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب‌دیده در تمام مراکز بهداشتی و درمانی، همراه با ارسال گزارش موارد مشکوک به آزار به مراجع قضایی و بهزیستی.

- پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران.

**۶. وزارت آموزش و پرورش:** این وزارتخانه باید در راستای حمایت از حقوق کودک اقدامات زیر را انجام دهد:

- اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان (تا پایان دوره متوسطه) به سازمان بهزیستی کشور یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه حسب مورد جهت انجام اقدامات لازم.

- شناسایی، راهنمایی و معرفی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون به نهادهای حمایتی و قضایی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم.

- انجام اقدامات لازم جهت ثبت نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه.

- آموزش مدیران و کارکنان آموزشی و اداری در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان.

**۷. سازمان‌های مردم‌نهاد:** این سازمان‌ها گرچه به دولت وابسته نیستند اما می‌توانند نقش مهمی در جهت تعالی حقوق

کودک ایفا کنند. به عنوان مثال با امکاناتی که دارند می‌توانند کودکان در معرض آسیب را شناسایی کرده و به مراجع مربوطه اطلاع دهند. در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که سازمان‌های مردم‌نهادی که در حوزه حقوق کودک فعالیت می‌کنند می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی علیه کودکان، اعلام جرم کرده و در دادرسی شرکت کنند. متأسفانه در ایران سنگ‌اندازی‌های جدی در راه فعالیت این سازمان‌ها وجود دارد؛ به صورتی که اعضای آن‌ها نمی‌توانند به راحتی فعالیت کنند.

**۸. سازمان یونیسف:** این سازمان که در سال ۱۳۲۵ با رأی مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس شد، هم‌اکنون بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی در ارتباط با حقوق کودکان است. یونیسف تاکنون در امور زیر فعال بوده:

- کاهش نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان در سطح ملی و منطقه‌ای.
- بهبود وضعیت تغذیه و کاهش سوءتغذیه کودکان و زنان باردار و شیرده.
- جلوگیری از شیوع بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن و بیماری‌های منتقله توسط پشه‌ها، مانند تب دنگی و مالاریا.
- حمایت از سیستم مراقبت‌های اولیه بهداشتی در مناطق کم‌برخوردار.
- توانمندسازی نوجوانان و جوانان آسیب‌پذیر با آموزش مهارت‌های لازم در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اطمینان از زندگی سالم و یافتن شغل مناسب.
- حمایت از پیاده‌سازی استراتژی‌های جامع کشوری برای جلوگیری از زندگی و کار کودکان در خیابان‌ها.
- اطمینان از زندگی کودکان در مراقبت‌های جایگزین در محیطی حمایت‌کننده که تحقق کامل توانمندی‌های آن‌ها را تضمین می‌کند.

- ارتقاء ظرفیت کشور برای پیشگیری، تشخیص زودهنگام و پاسخ به خشونت علیه کودکان.

- اطمینان از دسترسی برابر همه پسران و دختران در تماس با قانون.

- اطمینان از فراهم‌بودن فرصت برابر برای زندگی شایسته همه کودکان، با رفع موانع مرتبط با فقر. این برنامه شامل شناسایی کودکان آسیب‌پذیر و خانواده‌هایشان (مانند کودکان پناهنده) و ارائه پشتیبانی لازم برای بهبود شرایط زندگی آن‌ها (مانند کمک نقدی در جهت بهبود دسترسی به خدمات اجتماعی) می‌شود.

- کمک به دولت برای در اولویت قرار دادن فقر کودکان به عنوان یک سیاست کشوری و طراحی استراتژی‌های هوشمند، پاسخگو و انعطاف‌پذیر برای کاهش فقر.

- تقویت ظرفیت مقابله با فاجعه‌های محلی برای افزایش مقاومت کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر فاجعه‌ها.

- ترویج رویکردهای متمرکز بر کودک در کاهش و مدیریت ریسک‌های موقعیت‌های اضطراری از طریق ارائه راهکارهای تخصصی در توسعه سیاست‌ها.

- افزایش ظرفیت بخش آب و بهداشت برای ارائه خدمات بهتر و افزایش آمادگی و پاسخ به موقعیت‌های اضطراری.

- حفاظت از زندگی، سلامت و رفاه کودکان و تقویت مقاومت جوامع آن‌ها از طریق تطبیق خدمات اجتماعی با تغییرات آب‌وهوایی و محیط‌زیستی.

- تقویت دسترسی به آموزش برای تمام کودکان (از جمله کودکان دارای معلولیت) و توانمندسازی اجتماع‌ها در جهت دستیابی کامل کودکان دارای معلولیت به توانایی‌هایشان، بدون تبعیض.

- گسترش ظرفیت سیستم آموزشی، شامل آموزش برای کودکان پناهنده.

- افزایش ظرفیت سیستم آموزشی برای ارائه آموزش باکیفیت و ترویج مشارکت کودکان.

## چه قوانین و مقرراتی در مورد حقوق کودک وجود دارد؟



مقررات زیادی در مورد حقوق کودکان وجود دارد. بخشی از آن‌ها قانون هستند و بخشی نیز آیین‌نامه یا دستورعمل. به طور کلی برای آشنایی با یک مسئله حقوقی، ابتدا باید از قوانینی که در آن حوزه وجود دارد مطلع بود. ضرورتی ندارد که تمام شهروندان به تمامی جوانب این قوانین و مقررات آگاهی داشته باشند، اما اطلاعات کلی در مورد آن‌ها برای هر شهروندی مفید است. بعضی از این قوانین (مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان) کلاً در مورد کودکان است، بعضی دیگر نیز در برخی مواد خود اشاره به مواردی از حقوق کودک دارد. در اینجا مهم‌ترین آن قوانین را ذکر می‌کنیم:

- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

- پیمان‌نامه [کنوانسیون] حقوق کودک. دولت ایران به صورت مشروط به این پیمان‌نامه پیوسته است؛ یعنی این پیمان‌نامه در حکم یک قانون است و باید رعایت شود. البته از آنجا که پیوستن ایران به صورت مشروط بوده، اجباری به رعایت آن دسته از مفادی که در تضاد با قوانین داخلی است ندارد. البته اکثر موارد پیمان‌نامه حقوق کودک منطبق با شرع و قوانین ایران است.

- قانون مدنی
- قانون مجازات اسلامی
- قانون آیین دادرسی کیفری
- قانون امور حسبی
- قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست
- قانون حمایت از خانواده

## کودک کیست؟ شروع کودکی و پایان کودکی



در مورد اینکه دوران کودکی از چه سنی شروع می‌شود و در چه سنی پایان می‌یابد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما به طور خلاصه بر اساس ماده یکم پیمان نامه حقوق کودک اشخاصی که که زیر ۱۸ سال هستند کودک محسوب شده و از امتیازهایی که قانون برای کودکان در نظر گرفته بهره‌مند می‌شوند. هر چند که در برخی قوانین ایران افراد زیر ۱۸ سال کودک و نوجوان نامیده می‌شوند اما در قوانین دیگری سن کودکی پایین‌تر در نظر گرفته شده. بر اساس ماده اول قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و نوجوان شخصی است که زیر ۱۸ سال شمسی بوده اما به «بلوغ شرعی» رسیده باشد. در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی نیز سن بلوغ برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال قمری تعریف شده (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی). در مواد دیگری از قانون مدنی مقوله‌ای به نام «سن رشد» تعریف شده؛ به این معنی که کودک بالغ برای انجام یک کار مالی حتماً باید

رشید باشد. سن رشد هم متغیر است اما بر اساس رویه قضایی، شخص بعد از ۱۸ سالگی رشید محسوب می‌شود مگر خلاف آن ثابت شود. همچنین امکان اینکه دادگاه یک فرد بالغ زیر ۱۸ سال را رشید بشناسد وجود دارد. اگر به سن مسئولیت کیفری نگاه کنیم متوجه می‌شویم که قانون، بلوغ شرعی را سن مسئولیت کیفری دانسته اما افرادی را که به سن بلوغ رسیده‌اند ولی زیر ۱۸ سال هستند را تابع مقررات و مجازات‌های خاصی کرده که با بزرگسالان متفاوت است. بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران، دختران بعد از رسیدن به ۱۳ سالگی و پسران پس از ۱۵ سالگی می‌توانند ازدواج کنند. در مورد استخدام دولتی، افراد زیر ۱۸ سال نمی‌توانند استخدام شوند اما در قانون کار، به‌کارگیری اشخاص زیر ۱۵ سال ممنوع است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود قوانین در هر مورد سن متفاوتی را برای کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته‌اند. تشتت و آشفتگی در قوانین ایران در مورد تعیین سن مشخصی برای کودکی، تناقضات بسیاری را به وجود آورده. مثلاً یک دختر ۱۴ ساله نمی‌تواند به دفتر خانه رفته و سندی را تنظیم کند، اما همین دختر می‌تواند ازدواج کند چون حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال تعیین شده است! جالب اینکه اگر همین دختر ازدواج کرده و بعد بخواهد مهریه خود را مطالبه کند، چون به سن رشد نرسیده خودش نمی‌تواند این کار را بکند و باید ولی او اقدام کند. یا یک پسر ۱۵ ساله خودش حق ثبت‌نام در مدرسه را ندارد اما اگر مرتکب قتل - یا هر جرم دیگر مستوجب اعدام - شود اصولاً مانند بزرگسالان مجازاتش مرگ است!

به عنوان انتقادی دیگر می‌توان پرسید: چرا سن بلوغ و متعاقب آن مسئولیت کیفری، برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵

سال قمری تعیین شده؟ قانونگذار به پیروی از فقه اسلامی معتقد است که دختران قبل از پسران به سن بلوغ می‌رسند. حتی اگر این را قبول کنیم باید پرسید: بلوغ که یک مسئله جنسی است چه ارتباطی با مسئولیت کیفری که موضوعی کاملاً روانی است دارد؟ به عبارتی چرا باید دختران ۶ سال قبل از پسران مسئولیت کیفری داشته باشند؟ طبیعتاً بار کردن مسئولیت کیفری بر افراد بر اساس جنسیت به هیچ‌وجه با موازین علمی مطابق نیست.

در مورد زمان شروع کودکی هم ماده روشنی در قوانین وجود ندارد و به همین دلیل اختلافاتی بین نویسندگان حقوقی پیش آمده. اما به طور کلی با توجه به ماده ۹۵۷ قانون مدنی می‌توان گفت به محض اینکه نطفه جنین در رحم مادر منعقد شد، کودکی شروع می‌شود. جنین دارای تمامی حقوق مدنی قابل تصور است، به شرطی که زنده متولد شود. به عنوان مثال: هر جنین ارث می‌برد، به شرطی که زنده متولد شود.

به نظر می‌رسد یکی از مواردی که حتماً باید در قوانین ایران مورد بازبینی قرار گیرد مقررات مربوط به ملاک سنی برای کودکان و نوجوانان است. شاید سن ۱۸ سالگی مقبول‌ترین ملاک سنی برای پایان کودکی باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که شروع کودکی از زمان انعقاد نطفه در رحم مادر است، و پایان کودکی رسیدن شخص به ۱۸ سال تمام شمسی. در قوانین ایران در مورد کودکان، مقررات متفاوتی با توجه به سن کودک وضع شده است. در بخش‌های بعدی در این باره بیش‌تر توضیح می‌دهیم.

کار	ازدواج	مسئولیت مدنی	مسئولیت کیفری	پایان کودکی	شروع کودکی	نظام حقوقی
۱۵ سال	دختران ۱۳ سال، پسران ۱۵ سال	۱۸ سال (سن رشد)	دختران ۹ سال، پسران ۱۵ سال	دختران ۹ سال، پسران ۱۵ سال	انعقاد نطفه به شرط زنده متولد شدن	ایران
معمولاً ۱۸ سال	معمولاً ۱۸ سال	معمولاً ۱۸ سال	دقیق مشخص نشده، معمولاً ۱۸ سال	۱۸ سال	تولد	بین الملل

## قاعده مصلحت عالیہ کودک چیست؟

در حوزه حقوق کودک اصل بسیار مهمی به نام «مصلحت عالیہ کودک» وجود دارد. به این اصل در ماده دوم پیمان نامه حقوق کودک اشاره شده. همچنین در ماده ۴۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۸۴ قانون مدنی، ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۵ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست از عباراتی مانند «مصلحت» یا «غبطه کودک» استفاده شده. به طور کلی، اصل رعایت مصلحت عالیہ کودک به این معنی است که در تصمیمات راجع به کودک باید صحت جسمانی و عقلانی و به طور کلی منفعت کودک در اولویت قرار گیرد. این مصلحت می تواند مادی باشد از جمله نفقه کودک، یا غیرمادی باشد مانند آموزش او. هویت کودک، آرزوها و دیدگاه های کودک، امنیت کودک، آموزش کودک، تغذیه کودک، رفاه کودک، مسکن

و محیط کودک، خانواده کودک، نگهداری از کودک، بهداشت و درمان کودک، مهارت‌آموزی کودک و مسائلی از این قبیل می‌تواند مصادیق مصلحت کودک باشد. در کل، هم دولت و هم شهروندان در تمامی امور مربوط به کودکان باید مصلحت‌های آن‌ها را در نظر بگیرند. مثلاً اگر مجلس می‌خواهد قانونی تصویب کند حتماً باید بررسی شود که آیا این قانون با مصالح کودکان در تعارض است یا نه. به عنوان مثال: در کشور ایران در راستای سیاست افزایش جمعیت، قانون جوانی و افزایش جمعیت تصویب شد. در این قانون بسیاری از آزمایش‌های مربوط به سلامت جنین منع یا محدود شده است. این قانون خود به نوعی با حقوق کودک در تضاد است، زیرا احتمال متولد شدن کودک بیمار یا دارای معلولیت را افزایش می‌دهد. همچنین در هر تصمیمی که دولت می‌گیرد باید حقوق کودکان را در اولویت قرار دهد. در مورد والدین و سرپرستان کودک هم به همین نحو است. یا اگر دادگاهی در مورد پرونده‌ای در رابطه با یک کودک وارد رسیدگی شده، باید تا حد ممکن قوانین را به نفع کودک تفسیر کند. به عنوان مثال: قانون مجازات اسلامی می‌گوید اگر فردی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارد مرتکب قتل شده و مشخص شود که این کودک رشد عقلی نداشته و ماهیت کار خود را نمی‌داند، قصاص نمی‌شود. حال اگر در اینکه کودک رشد عقلی داشته یا نه شک شود، باید موضوع به نفع کودک تفسیر شود.

### اصل منع تبعیض چیست؟

به طور کلی وقتی از یک حق صحبت می‌کنیم یعنی صاحب آن حق بدون اینکه از برخی جهات از دیگران متمایز شود از آن

حق برخوردار خواهد بود. به عبارت دیگر تبعیض در بهره‌مندی از حقوق ممنوع است. تبعیض یعنی اینکه یک فرد به دلیل نژاد، رنگ پوست، خواستگاه قومی، عدم توانایی، تولد یا سایر احوال شخصی، دین و مذهب، عقیده یا اندیشه، جنسیت و مسائلی از این قبیل از برخی حقوق خود محروم شود. به این مسئله «اصل عدم تبعیض» گفته می‌شود. در مورد کودکان نیز همین‌طور است. هم در پیمان‌نامه حقوق کودک (ماده ۲) و هم در قوانین داخلی به این اصل اشاره شده.

اگر به قوانین ایران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که در برخی موارد تبعیض‌هایی علیه کودکان در بهره‌مندی از حقوق‌شان وجود دارد. این تبعیض‌ها در بعضی موارد قانونی است؛ مانند اینکه کودکان غیرایرانی (به‌خصوص اتباع افغانستان) اجازه تحصیل در همه مدارس را ندارند و در موارد زیادی نیز مدارس از ثبت‌نام آن‌ها خودداری می‌کنند. همچنین در قانون اساسی گفته شده که دین رسمی کشور اسلام است و فقط غیرمسلمانان مسیحی، یهودی و زردشتی حق بهره‌مندی از دین خود را داشته و احوال شخصی آن‌ها بر اساس موازین دینی خودشان است. این هم به نوعی با بهره‌مندی بدون تبعیض کودکان از حقوق خود در تعارض است. این‌ها تبعیض ناشی از قانون است. در برخی موارد تبعیض‌ها قانونی نیست و در عمل اتفاق می‌افتند؛ مانند اینکه دولت زیرساخت‌های مناسب را برای آموزش کودکان دارای معلولیت فراهم نکرده است.

## حقوق کودک با ولادت و تکالیف والدین



همان‌طور که در بخش‌های قبلی توضیح دادیم، به محض اینکه

نطفه جنین در رحم مادر شکل گرفت این جنین دارای حقوقی خواهد بود. اما اکثر حقوقی که برای کودکان در نظر گرفته شده بعد از تولد محقق می‌شود. برخی از این حقوق به محض تولد و برخی دیگر در سنین بعدی قابل تحقق است. در ادامه، حقوقی که مرتبط با ولادت است توضیح داده می‌شود:

**۱. حق داشتن اسم:** کودک هنگام تولد باید اسم داشته باشد. این پدر و مادر هستند که باید برای او اسم تعیین کرده و دولت باید زمینه ثبت آن اسم را فراهم کند. ممکن است هر کشوری برای نام‌گذاری مقرراتی داشته باشد، اما این مقررات باید معقول باشند. به عنوان مثال: در کشور ایران گذاشتن اسامی خارجی و نامأنوس ممنوع است. دولت با سؤاستفاده از این مقرر، فهرستی از نام‌ها را تهیه کرده و والدین عموماً مجبورند که از درون آن فهرست اسمی را برگزینند. بر اساس گزارش‌های متعدد، سازمان ثبت احوال از پذیرفتن برخی اسامی گروه‌های قومی خودداری می‌کند. والدین در این حال یا مجبور می‌شوند که نام انتخابی را تغییر دهند، یا اینکه اصرار کرده و وارد یک مسیر حقوقی چندساله شوند. در برخی موارد مشاهده شده که کودک به ۷ سالگی رسیده اما به دلیل مخالفت اداره ثبت احوال با اسم پیشنهادی والدین، کودک بدون شناسنامه مانده است. این نوع برخورد تبعیض‌آمیز بوده و معقول به نظر نمی‌رسد.

**۲. حق ثبت ولادت:** به محض اینکه کودک متولد شد، والدین باید تولد او را اعلام کرده و برایش مدارک هویتی (مانند شناسنامه یا کارت ملی) تهیه کنند. اداره ثبت احوال نیز موظف است در سریع‌ترین زمان ممکن، برای کودک متولد شده اوراق هویتی صادر کند. در قانون ثبت احوال، نحوه اعلام ولادت و مدارک لازم به روشنی

توضیح داده شده که توضیح آن در اینجا چندان فایده‌ای ندارد. به عنوان یک انتقاد می‌توان گفت در همین قانون آمده که وظیفه اعلام ولادت در ابتدا با پدر یا جد پدری است و اگر این دو غایب باشند، مادر می‌تواند اعلام ولادت کند. این مقرر نیز تبعیض‌آمیز و غیرمعقول است. زیرا مادری که به هر دلیل می‌خواهد اعلام ولادت کند باید اثبات کند که شوهرش غایب است.

**۳. حق داشتن تابعیت:** تابعیت در ایران تابع مقرراتی است که در قانون مدنی ذکر شده. اصولاً هر کودکی که از پدر ایرانی متولد شود، ایرانی محسوب شده و تابعیت ایران را دارد. همچنین کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند، ایرانی محسوب می‌شوند. در مواد ۹۷۶ به بعد قانون مدنی، مقررات مربوط به تابعیت ذکر شده است. یکی از مشکلات بزرگی که در این زمینه وجود دارد تابعیت کودکانی است که از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد می‌شوند. در قانون مدنی این کودکان ایرانی محسوب نمی‌شوند. در سال ۱۳۸۵ قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» به تصویب رسید و البته مشکلات را دوچندان کرد! سال ۱۳۹۰ نیز قانون دیگری در اصلاح قانون ۱۳۸۵ تصویب شد که قدمی در جهت بهبود وضعیت برداشت. نهایتاً در مهرماه ۱۳۹۸ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی تصویب شد. بر اساس این قانون فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی، قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی به درخواست مادر ایرانی و در صورت نداشتن مشکل امنیتی، به تابعیت ایران در می‌آیند. این کودکان می‌توانند بعد از رسیدن به ۱۸ سالگی در صورت عدم درخواست توسط مادر ایرانی، خود درخواست تابعیت ایران را

بدهند که نداشتن مشکل امنیتی توسط وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه بررسی می‌شود. این مصوبه را گرچه می‌توان گامی به جلو قلمداد کرد اما در عمل، سختگیری‌های بیش از حدی از طرف نهادهای امنیتی در تأیید صلاحیت افراد ایجاد شد.

مشکل دیگری که به‌ویژه در مناطق بلوچستان وجود دارد «کودکان بدون شناسنامه» است. تعداد قابل توجهی از کودکان این منطقه با وجود اینکه خودشان و پدر و مادرشان در ایران متولد شده‌اند، مدارک هویتی و تابعیت ندارند. به همین دلیل از خیلی از حقوق خود (از جمله حق تحصیل) محروم هستند. دولت معتقد است این افراد «مشکوک‌التابعه» هستند. روند رسیدگی به درخواست کسب تابعیت این افراد بسیار پیچیده، دشوار و زمان‌بر است. در اکثر موارد نیز درخواست افراد بدون تابعیت به بهانه‌های امنیتی رد می‌شود.

بدون شک نداشتن تابعیت و در پی آن اوراق هویتی، مشکلات بسیاری را برای کودکان ایجاد می‌کند. مشکلاتی که حقوق این کودکان را به صورت جدی در معرض خطر قرار می‌دهد، از جمله اینکه نمی‌توانند تحصیل کرده یا از خدمات درمانی بهره‌مند شوند.

**۴. حق نسب:** این حق به آن معنا است که اصولاً باید پدر و مادر یک کودک مشخص شوند. از آنجا که پدر و مادر نسبت به کودک وظایفی دارند بنابراین لازم است آن‌ها شناسایی شوند تا مشخص شود چه کسی باید وظیفه پدر و مادر را انجام دهد. مثلاً در قوانین ایران پدر باید نفقه فرزند خود را بدهد. نفقه عبارت است از مسکن و خوردوخوراک و نیازهای اساسی کودک. باید توجه کرد نفقه یک مسئله خیلی مهم است که می‌تواند بسیاری از حقوق کودک را تحت‌شعاع قرار دهد. حال اگر مشخص نشود که پدر کودک

چه کسی است طبیعتاً این کودک با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد. همچنین است در مورد مسئله توارث و بسیاری از سایر حقوق که تحقق آن‌ها عمدتاً منوط به شناسایی پدر و مادر است. در مورد شناسایی مادر مشکل چندانی وجود ندارد، اما آنچه که بیش تر رخ می‌دهد عدم شناسایی پدر است. بر اساس قوانین ایران اگر زن و مردی به صورت رسمی ازدواج کرده باشند، کودکی که متولد می‌شود ملحق به همان مرد است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. به این مسئله اصطلاحاً «قاعده فراش» می‌گویند. اما اگر به هر نحوی ازدواج ثبت نشده باشد یا ازدواج به صورت موقت بوده و قابل اثبات نباشد و پدر انکار کند که کودک متعلق به اوست، در اینجا مادر یا سرپرست او باید اثبات کند که پدر کودک چه کسی است. معمولاً در این گونه موارد باید «دعوی اثبات نسب» مطرح کرد. دعوی اثبات نسب ممکن است با نتیجه آزمایش دی‌ان‌ای به نتیجه برسد، اما متأسفانه در قوانین ایران مقررات روشنی که نشان دهد آزمایش دی‌ان‌ای به تنهایی دلیلی اثبات‌کننده محسوب می‌شود وجود ندارد. به همین دلیل دادگاه‌ها در این مورد احکام مختلفی صادر می‌کنند و ممکن است تا تعیین تکلیف در دادگاه، کودک بدون شناسایی پدر باقی بماند.

مسئله مهم دیگر، وضعیت حقوقی کودکی است که از رابطه‌ای خارج ازدواج متولد می‌شود. در قوانین ایران وضعیت حقوقی طفل با توجه به رابطه والدینش می‌تواند متفاوت باشد. متأسفانه کودکانی که از رابطه غیرازدواج متولد می‌شوند «طفل نامشروع» قلمداد می‌شوند. این کودکان از برخی از حقوق خود به کلی محروم می‌شوند. از جمله اینکه بر اساس قانون مدنی ایران، توارث بین این کودک با پدر و مادر خود منتفی است. یعنی این کودک از پدر و مادر خود ارث نمی‌برد و پدر و مادر هم از این کودک ارث

نمی‌برند. همچنین برای ورود به برخی مشاغل، «طهارت مولد» شرط شده است. طهارت مولد یعنی فرد باید ناشی از یک ازدواج شرعی باشند. این قوانین تبعیض آمیز و خلاف حقوق و مصلحت عالیه کودک است؛ زیرا از ابتدا کودک را با برچسب نامشروع بودن وارد جامعه کرده و در ادامه نیز از برخی حقوق خود محروم می‌کند، بدون اینکه خود کودک دخالتی در رابطه پدر و مادرش داشته باشد. در گذشته، گرفتن شناسنامه برای این‌گونه فرزندان بسیار دشوار بود و بعضاً اداره ثبت احوال از صدور اوراق هویتی برای این کودکان خودداری می‌کرد. بعدها در سال ۱۳۷۶ دیوان عالی کشور طی یک رأی وحدت رویه این مشکل را برطرف کرد. با توجه به اهمیت رأی، متن آن را در اینجا مرور می‌کنیم:

**«رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، شماره**

**۶۱۷ - ۳/۴/۱۳۷۶»**

به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابویین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است. لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یادشده و مسئله ۳ و مسئله ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه برعهده وی می‌باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین

آن‌ها منتفی است. و لذا رأی شعبه سی‌ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیئت عمومی دیوان عالی کشور موجه و منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

\* مقررات شکلی در مورد دعوای اثبات یا نفی نسب: دعوای اثبات یا نفی نسب در مواردی رخ می‌دهد که اختلاف در نسب فردی پیش بیاید. در این مواقع لازم است که ذی‌نفع با تنظیم یک دادخواست اقدام به طرح دعوا کند. بر اساس ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲ دادگاه صالح رسیدگی به این موضوع، دادگاه خانواده است. در مورد نحوه اثبات نسب یا نفی نسب، مدعی باید دلایل قانع‌کننده‌ای ارائه دهد. تمامی ادله اثبات دعوی که در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی ذکر شده، در دعوای مربوط به نسب نیز کارایی دارند. از میان این ادله، «اقرار» مهم‌ترین روش و دلیل اثبات این نوع دعوی است. با این توضیح که اگر علیه فردی دعوای نسب مطرح شود و آن فرد دعوی را قبول کرده و رابطه نسبی را قبول کند، دیگر نیاز به ارائه ادله دیگری وجود ندارد. البته پذیرش اقرار به نسب از طرف دادگاه مطلق نیست و مقید به شرایطی است. طبق ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی: «اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب برحسب عادت و قانون ممکن باشد. ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند، مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزند او شده به شرط آن که منازعی در بین نباشد.» همچنین بر اساس ماده ۱۱۶۱ این قانون: «در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد، دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.»

به عبارت ساده، ماده اول به این معنا است که اگر مردی قبول کند کودکی فرزند اوست، در صورتی پذیرفته می‌شود که اولاً این امر معقول باشد؛ یعنی مثلاً اگر این مرد سال‌ها قبل از تولد کودک از مادر جدا شده باشد و امکان رابطه جنسی با مادر را نداشته، قطعاً اقرار این مرد معقول نیست. دوم اینکه اگر فرزند بالغ باشد، باید قبول کند که آن مرد پدر اوست؛ مگر اینکه کودک نابالغ باشد. در صورت نابالغ بودن، نیازی به قبول کودک نیست. اما اگر شخص دیگری قبلاً به عنوان پدر کودک شناخته شده باشد، دیگر صرف اقرار آن مرد مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ماده ۱۱۶۱ هم به این معناست که اگر مردی قبول کرده پدر کودک است، بعداً نمی‌تواند بگوید که اشتباه کرده یا دروغ گفته و در پی آن نمی‌تواند خواهان این باشد که دادگاه به پدرنبودن او رأی دهد.

دلیل مهم دیگری که می‌تواند در دعوای اثبات یا نفی نسب مفید واقع شود، آزمایش‌های پزشکی از جمله آزمایش دی‌ان‌ای است. گرچه در مورد میزان اعتبار حقوقی آزمایش دی‌ان‌ای در دادگاه‌های ایران اختلاف نظر وجود دارد، لکن می‌توان گفت با توجه به اینکه اماره قضایی در حقوق ایران از شمار ادله قضایی محسوب می‌شود، آزمایش دی‌ان‌ای به عنوان یک اماره قابل پذیرش است. «اماره» در حقوق به معنی نشانه است. یعنی بعضی از دلایل مانند اقرار و شهادت، مستقیماً می‌تواند ادعا را ثابت کند. اما برخی امور مانند نتیجه آزمایش دی‌ان‌ای صرفاً یک نشانه محسوب می‌شوند. این آزمایش سبب علم قاضی شده و با توجه به اینکه نتیجه آزمایش به صورت قطعی نسب را مشخص می‌کند، بهترین ادله اثبات دعوی برای دعوای مربوط به نسب است. در روبه قضایی ایران نیز آزمایش دی‌ان‌ای در اثبات یا نفی نسب در صورتی که اقرار وجود نداشته باشد، تحت شرایطی قابل پذیرش است. لازم

به ذکر است در صورتی که دادگاه دستور به آزمایش دی‌ان‌ای دهد این امر باید از طریق پزشکی قانونی انجام شود.

## هزینه یا نفقه کودک



یکی از مصادیق حقوق کودک، حق بر نفقه است. یعنی والدین یا سرپرست کودک یا در مواردی دولت باید هزینه‌های زندگی کودک را پرداخت کنند. این یک تکلیف است و حتی در برخی موارد عدم رعایت این تکلیف جرم تلقی می‌شود. در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی گفته شده: «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر است.» همان‌طور که از ماده پیداست در مرحله اول پدر مسئول پرداخت هزینه‌های کودک است. اگر به نحوی پدر نتواند پرداخت کند نوبت به پدر بزرگ و دیگر خویشاوندان و مادر می‌رسد. منظور از نفقه نیز نیازهای ضروری مانند مسکن، پوشاک، خوراک، هزینه تحصیل تا دوران متوسطه، و مسائلی از این قبیل است. باید توجه کرد که پرداخت نفقه یک تکلیف است و عدم پرداخت آن جرم‌انگاری شده. طبق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکه خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.»

مشکل مهمی که در این حوزه مطرح می‌شود عدم پرداخت هزینه‌های کودک بعد از طلاق زن و شوهر است. یعنی در برخی

موارد مشاهده می‌شود پدر کودکی که حضانتش با مادر است از تأدیه نفقه او خودداری می‌کند. در این موارد راهکارهایی برای اخذ نفقه وجود دارد. مادر یا هر کسی که حضانت کودک با اوست باید به دادگاهی که رأی را صادر کرده مراجعه و درخواست صدور اجراییه کند. برای این کار لازم نیست دادخواست تنظیم شود اما چنان‌چه در رأی دادگاه در مورد نفقه تعیین تکلیف نشده باشد، باید دادخواست تنظیم شده و نفقه کودک را مطالبه کرد. به هر حال شعبه اجرای احکام ابتدا با ابلاغ اجراییه به پدر فرزند، از او می‌خواهد که نفقه را پرداخت کند. اگر میسر نشد دادگاه اجرای احکام بر اساس اجراییه، از اموال پدر (که می‌تواند پول در حساب بانکی باشد یا از اموال غیرمنقول او یا هر چیز دیگر) نفقه فرزند را تأمین خواهد کرد. همچنین مادر یا سرپرست کودک می‌تواند از پدر یا هر شخص دیگری که موظف به پرداخت نفقه است شکایت کیفری کند. اگر در مورد نفقه یک بار اجراییه صادر شود، دیگر نیازی به صدور دوباره اجراییه و طی مراحل دادرسی وجود ندارد؛ بلکه می‌توان با همان اجراییه نسبت به اخذ نفقه اقدام کرد.

بر اساس تبصره ماده ۴۷ قانون حمایت از خانواده: «در مورد این ماده و سایر مواردی که به موجب حکم دادگاه باید جوهی به طور مستمر از محکوم‌علیه وصول شود، یک بار تقاضای صدور اجراییه کافی است و عملیات اجرایی مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده باشد ادامه می‌یابد.»

## نگهداری کودک

یکی از مهم‌ترین حقوقی که کودک دارد، حق بر نگهداری است. این حق به آن معنی است که پدر و مادر یا هر شخص دیگری که

سرپرستی کودک را دارد موظف است از او نگهداری کند. در حقوق ایران نگهداری را «حضانت» می‌نامند.

بر اساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.» اگر والدین یا سرپرست کودک این وظیفه خود را انجام ندهند، قانون ضمانت اجراهایی برای آن پیش‌بینی کرده است. زیرا بسیار دیده شده که والدین یا یکی از آن‌ها در انجام این امر خطیر کوتاهی کرده یا صلاحیت لازم را برای حضانت طفل از دست می‌دهند. دلایل مختلفی را می‌توان در از بین رفتن صلاحیت والدین برای نگهداری فرزندان‌شان متصور شد. برخی از این دلایل در قوانین ذکر شده و برخی نیز ذکر نشده است. به عنوان مثال: در بسیاری از کشورها اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، سؤاستفاده و استثمار کودک، و همچنین بدرفتاری غیرمتعارف با کودک از عوامل سلب صلاحیت در نگهداری فرزند است. در حقوق ایران به برخی از مصادیقی که شایستگی صاحب حق حضانت را از بین می‌برد، اشاره شده. در این مواقع قانونگذار راهکارهایی را پیش‌بینی کرده است. با این توضیح که چنان‌چه فردی که حضانت کودک به عهده اوست صلاحیت و شایستگی حضانت را از دست بدهد، دیگر نمی‌تواند به نگهداری طفل ادامه دهد چون مصلحت کودک چنین اقتضایی را ایجاب می‌کند. به عبارت دیگر گرچه حضانت کودک از حقوق والدین است اما این حق، مطلق و غیرقابل سلب نیست. در نتیجه می‌توان به یک قاعده کلی در این زمینه دست یافت و آن اینکه حق حضانت زمانی که صلاحیت صاحب آن به هر دلیلی سلب شد، از بین خواهد رفت. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود زیرا اگر حق حضانت برای رعایت مصلحت کودک سلب شده، لازم است کودک را به شخص حقیقی یا حقوقی دیگری که شایسته

حضانت است سپرد. به همین دلیل قانونگذاران به پیش‌بینی این امر پرداخته‌اند. اینکه در صورت سلب صلاحیت والدین، چه کسانی شایسته حضانت فرزند هستند دارای مقررات مختلف و تا حدودی پیچیده است.

بر اساس قوانین ایران حضانت طفل در دوران زندگی مشترک به عهده پدر و مادر به صورت مشترک است، و پس از فوت یکی از آن‌ها به عهده فرد زنده گذاشته می‌شود. در صورت جدایی والدین، حضانت طفل تا هفت سالگی با مادر و پس از آن با پدر است مگر در صورت اختلاف که دادگاه تشخیص خواهد داد. همچنین اگر فردی که حضانت طفل با اوست شرایط لازم را از دست دهد، به حکم دادگاه حضانت کودک به پدر یا مادری که صلاحیت دارد واگذار می‌شود (مواد ۱۱۶۹ الی ۱۱۷۳). اما موارد قابل توجهی نیز وجود دارند که پدر و مادر - هر دو - شرایط و صلاحیت حضانت را ندارند و حتی فراتر از آن، جد پدری یا دیگر نزدیکان نیز توانایی حضانت طفل را ندارند. در این مواقع تکلیف طفل چه خواهد شد؟ به عنوان مثال: در ایران اعتیاد والدین بسیار مشاهده می‌شود، یا چه‌بسا دیده شده که پدر و مادر کودکی به حبس طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. قطعاً در این‌گونه موارد مصلحت کودک و اجتماع اقتضا می‌کند که حضانت کودک به اشخاص دیگری واگذار شود. برای روشن‌تر شدن سازوکارهایی که قانون در مواقع عدم صلاحیت والدین پیش‌بینی کرده، موضوع را در فرض‌های مختلف بررسی می‌کنیم.

**فرض اول:** اگر پدر و مادر یک طفل چه اینکه با هم زندگی کنند و چه از هم‌دیگر جدا شده باشند، هر دو به دلایلی صلاحیت حضانت فرزند خود را از دست بدهند، حضانت کودک به عهده جد پدری است. زیرا جد پدری ولی قهری محسوب می‌شود و با

وجود او و صالح بودن، ولایت و حضانت از وظایف وی خواهد بود. در رویه قضایی ایران نیز در صورتی که والدین شایستگی حضانت طفل خود را نداشته باشند، این امر به جد پدری واگذار می‌شود.

**فرض دوم:** در صورتی که والدین هر دو به دلایلی صالح به حضانت فرزند نباشند و جد پدری نیز در قید حیات نباشد یا به دلایلی صلاحیت نگهداری کودک را نداشته باشد، دادگاه در مورد حضانت طفل تصمیم‌گیری خواهد کرد. این تصمیم‌گیری که بر اساس مصلحت کودک انجام خواهد شد اقداماتی از جمله سپردن او به شخص دیگری، تعیین سرپرست برای او یا نظارت کسی بر نگهداری کودک را شامل خواهد شد. به هر حال تعیین شیوه از اختیارات دادگاه خواهد بود. این حکم در موارد ناتوانی والدین از نگهداری طفل نیز جاری است؛ مثلاً در صورتی که والدین در غیبت یا زندان باشند. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به بیان کلیات احکام فرزندی که والدین آن‌ها صلاحیت حضانت را ندارند پرداخته است. بر اساس این ماده: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای ارباب طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند...» قابل ذکر است که دادگاه باید با در نظر گرفتن مصلحت طفل تصمیم‌گیری کند. همچنین باید توجه داشت که دادگاه هیچ الزامی برای سپردن طفل به ارباب طفل یا جد پدری ندارد؛ لکن محاکم ایران هنگامی که نزدیکان طفل متقاضی حضانت شوند، معمولاً طفل را به آن‌ها واگذار می‌کنند. البته عدم الزام دادگاه در سپردن طفل به نزدیکان کودک، فقط در مورد حضانت است. یعنی چنان‌چه

سرپرست طفل مشخص بوده و صلاحیت سرپرستی را داشته باشد و فقط افراد دارای حق حضانت صلاحیت نداشته باشند، دادگاه با نظر خود حضانت طفل را به دیگری واگذار می‌کند. اما اگر سرپرست نیز صلاحیت نداشته باشد، حکم قضیه متفاوت خواهد بود که این مسئله را در فرض‌های بعدی توضیح خواهیم داد.

مسئله دیگری که لازم است در این مبحث به آن اشاره شود مواردی است که حق حضانت والدین را سلب می‌کند. طبق قسمت اخیر ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: «موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار

۲. اشتها به فساد اخلاقی و فحشا

۳. ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی

۴. سؤاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.»

باید توجه کرد که این موارد تمثیلی بوده و به عنوان نمونه ذکر شده. لذا موارد دیگری را نیز می‌توان از مصادیق عدم صلاحیت والدین در حضانت طفل دانست، مثل محکومیت والدین به حبس طولانی مدت.

بر اساس ماده چهارم قانون حمایت از خانواده، مرجع صالح به رسیدگی و سلب حق حضانت و انتقال به دیگری دادگاه خانواده است. برای طرح دعوی سلب و انتقال حضانت لازم است دادخواست تنظیم شود و خواهان دادگاه می‌تواند اقربای طفل، هر یک از پدر و مادر، رئیس حوزه قضایی، و در برخی موارد قیم یا دادستان باشد.

فرض سوم: در صورتی که پدر و مادر یا جد پدری یا وصی منصوب از طرف آن‌ها یا قیم صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند، مسئله شامل قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست خواهد شد. این قانون که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، به پیش‌بینی مواردی پرداخته که طفل سرپرست ندارد یا سرپرست او فاقد صلاحیت لازم برای سرپرستی است. باید توجه داشت که مسئولیت سرپرست اعم از حضانت و قیمومت و ولایت است. به این معنا که سرپرست هم حق حضانت و هم حق ولایت یا قیمومت را خواهد داشت. به عبارت ساده‌تر: حقوق و تکالیف سرپرست، همچون والدین است. بر اساس مقررات این قانون زمانی که پدر و مادر یا جد پدری یا قیم یا وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی طفل را نداشته باشد، دادگاه سرپرستی او را به فرد دیگری منتقل می‌کند. بند دال ماده هشتم قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و همچنین ماده ۱۰ آن قانون چنین امری را پیش‌بینی کرده است. در این فرض، قانون مذکور در مورد اینکه دادگاه چه کسی را باید به عنوان سرپرست تعیین کند نیز تعیین تکلیف کرده. بر طبق تبصره دوم ماده هشت قانون مذکور: «در صورت وجود اقارب [نزدیکان] طبقه دوم و تقاضای هر یک از آنان و وجود شرایط، سرپرستی به وی واگذار می‌شود و در صورت تعدد تقاضا و یکسانی شرایط متقاضیان، سرپرست با قرعه انتخاب می‌گردد. در صورت نبود اقارب طبقه دوم، بین اقارب طبقه سوم بدین نحو عمل می‌شود.»

این قانون در ادامه به مسائل شکلی تعیین سرپرست پرداخته است. مسئله مهمی که باید در اینجا اشاره شود اینکه متولی امور سرپرستی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست سازمان بهزیستی کشور است؛ اما مرجع تعیین سرپرست و صدور حکم، دادگاه‌های

خانواده هستند. یعنی تقاضای سرپرستی باید به سازمان بهزیستی داده شود و این سازمان در صورت تأیید شرایط متقاضی سرپرستی، مسئله را برای صدور حکم به دادگاه خانواده ارجاع خواهد داد. در پایان لازم به ذکر است که تخطی از وظایف مربوط به حضانت در حقوق ایران جرم‌انگاری شده. مطابق ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱: «هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.»

## اداره اموال کودک

از آنجا که کودکان توانایی ذهنی کافی برای اداره اموال خود را ندارند، قوانین کشورها شخص دیگری را مسئول اداره اموال آن‌ها می‌دانند. این شخص معمولاً والدین است. بر اساس حقوق ایران پدر و جد پدری ولی قهری کودک محسوب می‌شود و در صورت وجود آن‌ها، شخص دیگری نمی‌تواند اداره‌کننده اموال کودک باشد. در برخی موارد که ولی قهری به دلیل کهنسنت یا ناتوانی یا هر دلیل دیگری صلاحیت اداره اموال کودک را نداشته باشد، دادگاه شخصی را به عنوان «امین» تعیین می‌کند تا او در کنار ولی قهری اموال کودک را اداره کند. اگر هم ولی قهری وجود نداشته باشد دادگاه «قیم» تعیین می‌کند. قیم وظیفه اداره اموال کودک را دارد. باید توجه داشت که اختیار ولی یا قیم در اداره اموال کودک، یک اختیار تام و بدون نظارت نیست. یعنی این افراد باید مصلحت کودک را در نظر گرفته و همچنین تحت نظارت دادستان در مورد اموال کودک تصمیم‌گیری کنند. در مورد

ولی قهری و قیم و حدود اختیارات آن‌ها نکات زیر باید مورد توجه قرار بگیرد:

ولایت قهری پدر و جد پدری، از زمان تولد آغاز و تا زمان بلوغ و رشد فرزند ادامه دارد. مگر اینکه کودک به اصطلاح قانون مدنی «مجنون» باشد که بعد از بلوغ نیز ولایت پدر و جد پدری ادامه پیدا می‌کند.

پدر و جد پدری هر دو ولی قهری محسوب می‌شوند اما در عمل، ولایت پدر بر جد پدری مقدم است. در عرف جامعه نیز چنین است که در صورت نبودن پدر یا صالح نبودن او، توانایی نداشتن و... نوبت به جد پدری می‌رسد. گذشته از عرف و رویه قضایی، ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ به اولویت پدر بر جد پدری دلالت دارد.

مطابق ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی، ولی قهری نماینده قانونی کودک است، حتی اگر حضانت با مادر باشد. یعنی مثلاً در صورتی که زن و شوهری طلاق گرفته و حضانت فرزند به مادر داده شود، باز ولی قهری مسئول اداره اموال کودک است، نه مادر.

ولی قهری باید از لحاظ جسمی و روحی توانایی اداره اموال مولی علیه را داشته باشد و همچنین سؤاستفاده نکرده و رعایت مصلحت و غبطه فرزند را بکند.

اگر یکی از پدر یا جد پدری در قید حیات نباشد یا از حیث ناتوانی، سؤاستفاده، کوتاهی و غیره صلاحیت لازم را نداشته باشد، ولایت با دیگری است.

اگر پدر یا جد پدری نباشد یا ولی قهری محجور شود، برای کودک قیم منصوب می‌گردد. (ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی) محجور

یعنی توانایی ذهنی خود را برای اداره اموال کودک از دست بدهد. اگر یکی از اقربای فرزند یا رئیس حوزه قضایی بتواند ثابت کند که پدر یا جد پدری موجب حیف و میل اموال کودک شده و رعایت مصلحت را نمی‌کند، ولی قهری عزل می‌شود و جای او قیم مشخص خواهد شد. **(ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی)**

اگر ولی قهری به دلیل پیری، ضعف بدنی، بیماری و غیره توانایی لازم برای اداره مطلوب اموال مولی علیه (کودک) را نداشته باشد، دادگاه «ضم امین» می‌کند. یعنی فرد امینی را به ولی قهری منضم می‌کند که امضای هر دو نفر آن‌ها در اداره مال فرزند موثر خواهد بود.

اگر ولی قهری به دلیل غیبت، حبس یا هر دلیل دیگری نتواند به امور فرزند رسیدگی کند و کسی را هم به جای خود مشخص نکرده باشد، دادگاه یک فرد امین را به صورت موقت برای تصدی و اداره اموال کودک تعیین خواهد کرد. **(ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی)**

پدر و جد پدری می‌توانند برای بعد از مرگ خود وصی تعیین کنند. **(ماده ۱۱۹۲)** حدود اختیارات وصی را خود ولی قهری می‌تواند مشخص کند. در غیر این صورت، وصی همان اختیارات ولی قهری را در اموال داراست. **(ماده ۱۱۹۰ قانون مدنی)** هرگاه وصی تعیین شده توسط ولی قهری از اداره اموال خودداری کند یا به دلایلی مانند پیری یا معلولیت توانایی لازم را نداشته باشد یا خیانت کند، خودبه‌خود عزل می‌شود. **(ماده ۱۱۹۱ قانون مدنی)**

در مورد قیم نیز قانون مدنی ایران مقرراتی را پیش‌بینی کرده تا حقوق مالی کودک تضییع نشده و اداره اموال او به نحو احسن انجام شود. مواد ۱۲۱۸ الی ۱۲۵۶ قانون مدنی که در مورد قیم و

وظایف و اختیارات او است، عمده ترین وظایف و اختیارات قیم را این طور شرح داده:

اداره اموال و دارایی کودک: قیم با لحاظ داشتن منفعت کودک باید اموال و دارایی او را به بهترین نحو اداره کند. همچنین، قیم با تصویب دادستان می تواند اموال غیرمنقول مولی علیه را بفروشد یا رهن بگذارد. در خصوص اموال منقول محجور نیز قیم این اختیار را دارد که اقدام به فروش آن ها کرده و با پول آن، مال دیگری خریده یا به هر نحو که به صلاح محجور است رفتار کند.

فروش اموال ضایع شدنی کودک: قیم می تواند اقدام به فروش اموال ضایع شدنی محجور کند و با حاصل فروش آن ها، مال دیگری بخرد یا آن را به گونه ای که به مصلحت محجور است خرج کند.

تربیت و اصلاح حال کودک: بر اساس آنچه ماده ۷۹ قانون امور حسبی می گوید، یکی از وظایف و مسئولیت های قیم و حدود اختیارات او این است که نهایت سعی خود را در تربیت و رعایت مصلحت کودک تحت قیمومت خود بنماید.

اجازه اشتغال به کار یا پیشه به کودک: در صورتی که قیم مصلحت بداند، می تواند به محجور اجازه اشتغال به شغلی را بدهد. البته با توجه به اینکه کارکردن اشخاص زیر ۱۸ سال مطلقاً ممنوع است، قیم نمی تواند به کودک تحت قیمومت خود اجازه کار بدهد. اما کارکردن نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تحت شرایطی آزاد است و به همین دلیل قیم در این موارد می تواند اجازه کار بدهد. طلاق و ازدواج کودک: در صورت صلاحدید پزشک و اجازه دادستان، قیم می تواند برای محجور عقد ازدواج منعقد کرده یا در صورت نیاز و با اجازه دادستان، امور طلاق او را انجام دهد.

## حق بر آموزش ؟

یکی دیگر از مهم‌ترین حقوقی که برای کودکان در نظر گرفته شده، حق آموزش است. این حق به آن معنا است که هر کودکی حق دارد در مدارس تحصیل کند. در این حق نباید هیچ محدودیتی از لحاظ نژاد، دین و مذهب، عقیده یا جنسیت ایجاد شود. همچنین استفاده از این حق باید رایگان باشد. به همین دلیل دولت‌ها موظفند که امکانات لازم برای تحصیل کودکان را فراهم کنند. تحقق این شرط صرفاً با ایجاد مدارس دولتی محقق نمی‌شود، بلکه دولت‌ها موظفند در قوانین خود تدابیری پیش‌بینی کنند تا همه کودکان بتوانند به صورت یکسان به امکانات آموزشی دسترسی داشته باشند. همچنین باید آموزش در راستای تعالی و رشد فکری کودک صورت بگیرد. یعنی هم باید دسترسی به امکانات آموزشی برای همه کودکان راحت باشد و هم آموزش دارای استانداردهایی باشد.

«پیمان‌نامه حقوق کودک» در سه ماده به حق آموزش کودک پرداخته است. به دلیل اهمیت این ماده‌ها و روشن بودن مفاد آن و همچنین پیوستن دولت ایران به این پیمان‌نامه، عین متن سه ماده را مرور کنیم:

### ماده ۲۸

کشورهای طرف پیمان‌نامه، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان بودن تحصیل ابتدایی برای همگان.

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه (از جمله آموزش حرفه‌ای و کلی)، در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم.

ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان بر اساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب.

د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

۲. کشورهای طرف پیمان‌نامه تمام اقدامات لازم را جهت تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان بوده و مطابق با پیمان‌نامه حاضر باشد، به عمل خواهند آورد.

۳. کشورهای طرف پیمان‌نامه همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی، تشویق کرده و افزایش خواهند داد. در این رابطه، به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه خاصی خواهد شد.

## ماده ۲۹

کشورهای طرف پیمان‌نامه موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشند:

الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان.

ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول

مذکور در منشور سازمان ملل.

ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های او و ارزش‌های ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، موطن اصلی او و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.

د) آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.

ه) توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.

### ماده ۳۰

در کشورهایی که اقلیت‌های قومی و مذهبی یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیت‌ها است باید به همراه سایر اعضای گروهش از حق برخورداری از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب خود یا زبان خود برخوردار باشد.

در قوانین داخلی ایران نیز به حق آموزش کودکان توجه شده. در اصل سی‌ام قانون اساسی آمده که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.»

طبق «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» والدین موظفند کودکان خود را در مدارس ثبت‌نام کنند. همچنین دولت هم به موجب این قانون و دیگر مقررات مربوطه باید امکانات لازم آموزشی را در اختیار کودکان قرار دهد. در ماده

هفتم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز عدم ثبت نام والدین جرم‌انگاری شده. به موجب این ماده: «هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را برعهده دارند، چنان‌چه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.»

در حقوق ایران قوانین و مقررات زیادی در حوزه آموزش تصویب شده. با این وجود مشکلاتی در ایران وجود دارد که حق آموزش کودکان را تا حد زیادی مخدوش می‌کند. در زیر نمونه‌هایی از این مشکلات را می‌آوریم:

۱. بر اساس گزارش‌ها در برخی مناطق کشور مانند استان سیستان و بلوچستان تعداد قابل توجهی از کودکان به مدارس دسترسی ندارند. مدارس موجود نیز هم از لحاظ ساختمان و هم از لحاظ امکانات آموزشی بسیار ضعیف هستند. طبیعتاً در چنین وضعیتی نمی‌توان گفت که حق آموزش کودکان در این مناطق محقق شده. دولت نمی‌تواند امکانات آموزشی را در برخی مناطق ایجاد و از برخی مناطق دریغ کند. یعنی دولت باید امکانات آموزشی را به طور یکسان در تمام نقاط کشور فراهم نماید. این امر حتی در مدارس یک شهرستان نیز مشهود است. مثلاً دیده می‌شود که برخی از مدارس دارای امکانات خوبی بوده و برخی دیگر حتی امکانات اولیه ندارند. همچنین برخی از مدارس دولتی

در قالب کمک به مدرسه اقدام به اخذ پول از والدین می‌کنند. این در حالی است که اصولاً باید تمامی مدارس کشور از یک استاندارد مشابه برخوردار باشند.

۲. قوانین و مقررات آموزشی از جمله «آیین‌نامه اجرایی مدارس» اهداف آموزش را به صورت جدی به مسائل دینی معطوف کرده است. به عبارتی آموزش در ایران در سیطره موازین ایدئولوژیک و دینی قرار گرفته. در همان ابتدا دختران از پسران جدا می‌شوند، در گزینش معلم‌ها سعی می‌شود افراد بیش‌تر معتقد به مبانی اسلام استخدام شوند، مفاد درسی مملو از مسائل دینی و عقیدتی بوده و برنامه‌های مدارس بر تحمیل افکار حکومت به دانش‌آموزان استوار است. این نوع نگاه به آموزش قطعاً با حق آموزش کودکان در تعارض است.

۳. در کشور ایران با وجود اینکه تعداد زیادی از کودکان غیرفارسی‌زبان هستند اما این کودکان نیز مجبورند آموزش در مدارس را با زبان فارسی بگذرانند. در اصل ۱۵ قانون اساسی ایران گفته شده که زبان رسمی کشور فارسی است اما تدریس ادبیات گروه‌های قومی در مدارس آزاد است. گذشته از بحث‌هایی که پیرامون این اصل وجود دارد، تاکنون اجرای این اصل عملی نشده و کودکان غیرفارسی‌زبان مجبورند به زبان دیگری تحصیل کنند؛ بدون اینکه حق داشته باشند حداقل با زبان و ادبیات مادری خود آشنایی پیدا کنند. در ماده ۳۰ پیمان‌نامه حقوق کودک که در بالا ذکر شد صراحتاً آمده: کودکی که متعلق به گروه‌های قومی است باید از حق بهره‌مندی از فرهنگ خود و تعلیم و اعمال مذهب خود یا زبان خود برخوردار باشد. اهمیت این حق به اندازه‌ای بوده که در پیمان‌نامه حقوق کودک یک

ماده درباره آن ذکر شده است. علاوه بر زبان، کودکان غیرفارس یا غیرشیعه و غیرمسلمان در مدارس نمی‌توانند در چهارچوب فرهنگ خود آموزش ببینند. این مسئله قطعاً با حق کودک بر آموزش در تعارض است.

۴. یکی دیگر از مشکلاتی که حق آموزش کودکان را در ایران با چالش مواجه کرده، مشکلات صنفی معلمان است. معلم‌ها در ایران معمولاً حقوق کافی ندارند. همچنین نحوه استخدام آن‌ها در آموزش و پرورش یا مدارس غیردولتی معمولاً به صورت موقت است و به همین دلیل امنیت شغلی ندارند. از طرف دیگر برنامه‌های لازم برای توانمندسازی معلمان وجود ندارد. این مشکلات باعث می‌شود که سطح آموزش اُفت کرده و به نوعی حق آموزش کودک پای مال شود.

## حق بر سلامتی

حق بر سلامتی یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده. در این میان با توجه به وضعیت جسمانی آسیب‌پذیر کودکان و وابستگی آن‌ها به دیگران، این حق در مورد کودکان اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. در مورد اینکه حق بر سلامتی چیست و چه مواردی را شامل می‌شود نظر واحدی وجود ندارد، به طوری که این حق با «حق رفاه» در هم تنیده است. با این وجود حق بر سلامتی صرفاً حق درمان و بهداشت نیست، بلکه یک وضعیت پایدار جسمی و روانی است. در ماده ۱۲ «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» که دولت ایران نیز به آن پیوسته است و شامل کودکان نیز می‌شود آمده که:

۱. دولت‌های طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال

سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند.  
۲. تدابیری که دولت‌های طرف این میثاق برای استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

(الف) کاهش دادن میزان مرده متولدشدگان و مرگ‌ومیر کودکان و تأمین رشد سالم آنان.

(ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

(ج) پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها. همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها.

(د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.»

همچنین بر اساس نظریه شماره ۱۴ کمیته این میثاق، محتوای حق سلامت شامل دسترسی به آب آشامیدنی سالم، غذای سالم و کافی، مسکن، کارکردن در محیط سالم، اطلاع‌رسانی و آموزش مرتبط با سلامت و برابری جنسیتی است.

در ماده ۲۴ پیمان‌نامه حقوق کودک نیز حق سلامت کودکان مورد تأکید قرار گرفته. در این ماده آمده است:

۱. کشورهای طرف پیمان‌نامه، حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین اینکه هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهند شد، تلاش خواهند نمود.  
۲. کشورهای طرف پیمان‌نامه موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و به‌ویژه در زمینه‌های ذیل اقدامات مناسب را اتخاذ خواهند کرد:

الف) کاهش میزان مرگومیر نوزادان و کودکان.

ب) تضمین فراهم نمودن مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی لازم در مورد تمام کودکان با تأکید بر گسترش مراقبت‌های بهداشتی اولیه.

ج) مبارزه با بیماری‌ها و سوءتغذیه، از جمله در چهارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به‌کارگیری تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط‌زیست.

د) تضمین مراقبت‌های قبل و پس از زایمان مادران.

ه) تضمین اینکه تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه، شیر مادر، بهداشت شخصی و بهداشت محیط‌زیست و پیشگیری از حوادث اطلاع داشته باشند. به آموزش دسترسی داشته و در زمینه استفاده از اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند.

و) توسعه مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه، ارائه راهنمایی‌های لازم به والدین، و آموزش تنظیم خانواده و خدمات.

۳. کشورهای طرف پیمان‌نامه تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن روش‌های درمانی سنتی و خرافی در مورد بهداشت کودکان به عمل خواهند آورد.»

هر چند که پیمان‌نامه حقوق کودک نیز در حکم قانون کشور است اما در قوانین داخلی، حق سلامت کودکان به طور خاص مورد توجه چندانی قرار نگرفته. با این حال در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مواردی پیش‌بینی شده که در حمایت از حق سلامت کودکان و نوجوانان است. مثلاً گفته شده که تمامی کودکان و نوجوانان باید تحت پوشش کامل بیمه سلامت قرار

گیرند. همچنین در این قانون «وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره جویی را ایجاب نماید» یک خطر قریب الوقوع برای کودک محسوب می‌شود. در این شرایط برخی ارگان‌ها (از جمله سازمان بهزیستی) موظف به انجام اقداماتی برای رفع خطر از کودک هستند. در قوانین برنامه توسعه نیز مواردی برای تحقق سلامت کودکان پیش‌بینی شده. همچنین قوانینی مانند «قانون تغذیه کودک با شیر مادر» هم در راستای سلامت کودکان مواردی را پیش‌بینی کرده است. در آیین‌نامه اجرایی مدارس ایجاد شرایط بهداشتی و ایمنی در مدارس از طریق تأمین سلامت محیط مدرسه، بر فراهم آوردن آب و غذای سالم در مدرسه و کنترل دوره‌ای سلامت دانش‌آموزان تأکید شده است. در آیین‌نامه اجرایی تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان دولت موظف به ارائه خدمات سلامت و آموزش بهداشت به دانش‌آموزان شده. به علاوه، در برنامه مدارس مروج سلامت نیز دولت مکلف به ارائه آموزش‌های بهداشتی به دانش‌آموزان شده است.

قانون مدنی و همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان برای عدم توجه به سلامت کودک ضمانت اجرایی را پیش‌بینی کرده. مثلاً در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی گفته شده اگر در اثر بی‌توجهی و عدم مراقبت از طفل صحت جسمانی او در معرض خطر قرار گیرد، دادگاه تصمیم مناسبی برای کودک در نظر می‌گیرد. اگر این خطر خیلی شدید باشد دادگاه حتی می‌تواند از سرپرست کودک سلب صلاحیت کرده و او را به بهزیستی بدهد.

ایران عضو «سازمان جهانی بهداشت» و «سندوق کودکان ملل متحد» است و با این دو نهاد برنامه‌هایی مشترک برای ارتقای

سلامت کودکان ایرانی اجرا کرده. با وجود این، به سلامت نوجوانان به اندازه کافی پرداخته نشده است. در میان نوجوانان ایرانی رفتارهای پرخطر بهداشتی مثل تغذیه نامناسب، استعمال سیگار و مواد مخدر، عدم تحرک و رفتارهای پرخطر جنسی و همچنین خودکشی، بیماری‌های روانی، معلولیت‌ها و مرگ بر اثر تصادفات در حال افزایش است. به طور کلی سطح رفاه خانواده‌ها و آگاهی آن‌ها تأثیر مستقیمی بر سلامت کودکان دارد. طبیعی است سیاست افزایش جمعیت و تشویق به فرزندآوری بدون اینکه سطح درآمد خانواده‌ها مناسب باشد، حق سلامت کودکان را به صورت جدی مخدوش می‌کند.

## حق مشارکت در تصمیم‌گیری



این حق به طور خلاصه به این معناست که به کودکان اجازه داده شود تا با در نظر گرفتن سن آن‌ها، در امورات مربوط به خود شنیده شده و به نوعی مشارکت داده شوند. این حق یکی از حقوق بنیادین کودک بوده و دیدگاه سنتی مبنی بر اینکه کودکان تماماً وابسته به بزرگسالان هستند و نمی‌توانند مستقل باشند را تعدیل کرده است. در ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک به صراحت ذکر شده: «کشورهای طرف پیمان‌نامه تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد بتواند این عقاید را درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود آزادانه ابراز کند و به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده شود.»

این حق می‌تواند طیف وسیعی از حوزه‌ها را در بر گیرد. از جمله خانواده، آموزش، سیستم قضایی، رسانه و غیره. در اسناد بین‌المللی محدودیت خاصی برای استفاده از این حق بیان نشده

و به همین دلیل می‌توان گفت در هر موردی که به کودک مربوط است باید نظر او شنیده شود. طبیعتاً منظور از این حق آن نیست که گفته‌های کودک تماماً اعمال شود، اما تصمیم‌گیری در مورد کودک بدون توجه به خواسته او در همه موارد نیز پذیرفته نیست. به عنوان مثال اگر نوجوانی به سن دبیرستان رسیده و می‌خواهد تعیین رشته کند، قطعاً باید به نظر او احترام گذاشت. در اینجا والدین نمی‌توانند کودک را خلاف میلش مجبور به تحصیل در رشته‌ای کنند که به آن علاقه ندارد. یا اگر پدر و مادر از هم جدا شدند و کودک در سنی است که می‌تواند احساسات خود را بیان کند، دادگاه برای تعیین مسئول حضانت باید نظر کودک را به طور مستقیم یا از طریق روانشناس اخذ کرده و آن را در تصمیم‌گیری ملاحظه نماید. نمود دیگر این حق می‌تواند در مسئله آموزش باشد. به این شکل که باید به دانش‌آموزان اجازه داده شود که در امر آموزش و اداره مدرسه تا حدی مشارکت داشته باشند. این امر از طریق ایجاد تشکل‌های دانش‌آموزی امکان‌پذیر است. مصداق دیگر این حق در پرونده‌های کیفری است. اگر کودکی که به سن معقولی رسیده قربانی جرم قرار گرفت یا خود مرتکب جرم شد، باید در فرآیند رسیدگی حضور موثر داشته باشد و از طرف مراجع قضایی شنیده شود. این امر به منصفانه‌تر شدن دادرسی کمک خواهد کرد. البته همان‌طور که قبلاً گفته شد کیفیت اعمال این حق بستگی به سن و فهم کودک دارد. در برخی از کشورها سن ۱۲ سال به عنوان سنی پذیرفته شده که کودک می‌تواند به صورت گسترده از این حق استفاده کند.

کمیت حقوق کودک که مرجع تفسیر پیمان نامه حقوق کودک و ناظر اجرای آن است برای روشن‌تر شدن حق شنیده شدن و مشارکت در تصمیم‌گیری موضوع ماده ۱۲ تفاسیری از این ماده

ارائه داده. از جمله اینکه هر چند کودکان نباید به والدین خود کاملاً وابسته باشند اما در نهایت، حق تعیین سرنوشت خود را به صورت مطلق ندارند. کمیته در تفسیر دیگری گفته است والدین به بهانه اینکه خیر خواه فرزندان خود هستند نمی‌توانند حقوق آنان را نادیده بگیرند. این کمیته همچنین می‌گوید که کشورهای عضو باید این حق را در قوانین خود به رسمیت شناخته و زمینه‌های لازم را برای اجرای آن فراهم کنند.

در قوانین و مقررات داخلی ایران از جمله در بند ۸ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این حق صرفاً نسبت به کودکان در معرض خطر یا بزه‌دیده به رسمیت شناخته شده و گفته شده که مشارکت طفل و نوجوان در امور مربوط به خود و توجه به دیدگاه‌های وی باید مورد توجه مسئولین قرار بگیرد. همچنین در موادی از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان برخی از مصادیق این حق به رسمیت شناخته شده است. از جمله اینکه تقاضای افراد زیر ۱۸ سال از جهات قانونی برای شروع به تعقیب کیفری کافی است. یعنی اگر فرد زیر ۱۸ سال از وقوع جرمی علیه خود خبر دهد و تقاضای رسیدگی کند، دادستان باید تقاضای او را پذیرفته و نسبت به تشکیل پرونده علیه مرتکب جرم اقدام کند و نمی‌تواند شروع به تعقیب کیفری را به ارائه دلیل از طرف فرد زیر ۱۸ سال موکول بکند. با این وجود موانع و محدودیت‌هایی در مقابل حق شنیده‌شدن و مشارکت کودک قابل مشاهده است. از جمله اینکه در قانون مدنی ایران گفته شده که حضانت کودک تا هفت سالگی با مادر و بعد از آن در صورت حدوث اختلاف با نظر دادگاه است؛ که معمولاً به پدر واگذار می‌شود. گرچه دادگاه می‌تواند برای تعیین مسئول حضانت، نظر کودک را اخذ کند اما به خلاف حقوق بسیاری از کشورها، قاضی در ایران

چنین وظیفه‌ای را ندارد. چنان که در بیش‌تر پرونده‌ها قضات خانواده موضوع حضانت را صرفاً با در نظر گرفتن اظهارات والدین و تحقیق در مورد وضعیت آن‌ها حل‌وفصل می‌کنند. همچنین در قانون مدنی ایران گفته شده که ریاست خانواده از خصایص شوهر است. حتی به والدین حق تنبیه بدنی به صورت محدود داده شده است. اگر مسئله ریاست را در کنار ولایت پدر و جد پدری قرار دهیم، متوجه می‌شویم که حقوق ایران تصمیم‌گیری در مورد کودک را عمدتاً به پدر واگذار کرده است. این مسئله خودبه‌خود باعث می‌شود که در چهارچوب خانواده عقاید و نظرات کودک شنیده نشود.

## حق داشتن استاندارد کافی برای زندگی

از نظر بسیاری از انسان‌ها خانواده یکی از ارکان اصلی اجتماع است. به طور کلی خانواده در پرورش و رشد کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین دلیل در اسناد بین‌المللی و نیز در قوانین داخلی حمایت‌های خاصی از خانواده صورت گرفته. اصلی‌ترین دلیل این حمایت‌ها نیاز کودک به محیط خانواده است (ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). در پیمان‌نامه حقوق کودک نیز خانواده، محیط طبیعی برای رشد و رفاه کودکان قلمداد شده و دولت‌ها موظف به پیش‌بینی تدابیر حمایتی از خانواده شده‌اند. در این پیمان‌نامه حق بهره‌مندی از خانواده، شناسایی والدین و قرارگرفتن تحت سرپرستی آن‌ها، عدم جدایی از والدین، حفظ روابط شخصی و همچنین تماس با آن‌ها به صورت مداوم مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده پنجم

پیمان نامه گفته شده که مسئولیت اولیه دولت‌ها در قبال کودک، احترام به نقش خانواده است. در ماده ۲۰ پیمان نامه نیز آمده که «کودک نباید به طور موقت یا دائم از محیط خانواده و از منافع خود محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد.» در ماده ۹ پیمان نامه نیز آمده است: «۱. کشورهای طرف پیمان نامه تضمین می‌نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذی صلاح مطابق قوانین و مقررات و منوط به بررسی‌های قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این گونه تصمیمات ممکن است در موارد خصوصی از قبیل سؤاستفاده یا بی‌توجهی والدین، یا هنگام جدا شدن والدین ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود.»

به طور کلی از آنجا که کودکان هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روانی محتاج به دیگران هستند، قوانین و مقررات کشورها ضوابط محکمی را برای رشد کردن کودکان در محیط خانواده تعیین کرده‌اند. این ضوابط از یک طرف حمایتی است و از طرف دیگر بازدارنده. در قوانین کشور نیز با وجود اینکه سعی شده از خانواده‌ها حمایت شود اما از طرف دیگر اگر موقعیت کودک در خانواده به خطر بیافتد، قانون برای والدین و سرپرست کودک ضمانت اجراهای مدنی و کیفری مشخص کرده است. مثلاً اگر خانواده خلاف مصلحت کودک عمل کرده و سلامت او را به خطر بیندازند، دادگاه می‌تواند از والدین سلب صلاحیت کرده و کودک را به سازمان بهزیستی بسپارد. یا اگر خانواده مرتکب کودک‌آزاری شود، مجازات‌هایی را برای شخص آزارگر در نظر گرفته است. در این میان ممکن است یک کودک به دلایلی از خانواده دور باشد. در این حالت نیز قانون سعی کرده کودک را در محیطی شبیه

به خانواده قرار دهد. به طور کلی گرچه خانواده‌ها در تربیت و رشد کودکان نقش موثری دارند اما به معنی آن نیست که دست خانواده‌ها برای هرگونه رفتار با کودک باز است. با این وجود مشاهده می‌شود که در کشور ما کودکان قابل توجهی از زندگی در کنار یک خانواده سالم محروم هستند و مراجع ذی صلاح نیز هیچ اقدام موثری برای ساماندهی آن‌ها نمی‌کنند (مثل کودکان خیابانی). در مورد مسائل مطرح شده در این مبحث، در بخش‌های بعدی بیش‌تر توضیح خواهیم داد.

## حقوق مدنی و سیاسی کودک



کودکان هم مثل بزرگسالان (البته با توجه به سن خود) دارای یک سری حقوق مدنی و سیاسی هستند. به عنوان مثال هر کودکی حق دارد فکر و عقیده خود را بیان کند. یا اینکه کودکان حق تجمع دارند. آزادی دسترسی به اطلاعات نیز حقوق دیگر کودکان است. قطعاً استفاده از این حقوق با بزرگسالان یکسان نخواهد بود. در قوانین ایران این حقوق در قانون اساسی برای همه شهروندان به رسمیت شناخته شده اما در مورد کودکان به طور خاص قانونگذاری نشده است. ولی در پیمان نامه حقوق کودک که دولت ایران نیز آن را پذیرفته، این حقوق به صورت خاص برای کودکان به رسمیت شناخته شده است.

به عنوان نمونه در ماده ۱۲ پیمان نامه آمده: «کشورهای طرف پیمان نامه تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود ابراز کند و به نظرات کودک

مطابق با سن و بلوغ وی بها داده می‌شود.» مثلاً اگر والدین کودکی جدا شده‌اند و او در سنی است که خوب و بد را نسبتاً تشخیص دهد، دادگاه باید فکر و نظر کودک را در مورد اینکه تمایل دارد با کدام یک از والدین خود زندگی کند جویا شده و در چهارچوب موازین عقلی به آن بها دهد.

یا در ماده ۱۳ پیمان‌نامه در قالب حق آزادی عقیده ذکر شده که: «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگر به انتخاب کودک می‌باشد.» طبیعتاً ممکن است که این حق با محدودیت‌هایی مواجه شود، اما محدودیت باید معقول و در قوانین به صراحت ذکر شده باشد. در مورد آزادی مذهب نیز ماده ۱۴ تصریح کرده که دولت‌ها باید به حق آزادی مذهب کودکان احترام بگذارند و استثناها باید محدود و معقول باشد. همچنین در مورد آزادی تجمع کودکان نیز ماده ۱۵ آن را به رسمیت شناخته و گفته است که «به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.»

اگر به وضعیت ایران توجه کنیم می‌بینیم با وجود اینکه این حقوق برای تمام شهروندان به رسمیت شناخته شده اما در عمل، محدودیت‌های بسیار جدی در مورد آن‌ها اعمال می‌شود. به عنوان مثال هرگونه تجمعی در ایران با سرکوب مواجه می‌شود. در مواردی که نوجوانان دختر ایرانی در مدارس در مورد حجاب اجباری تجمع کردند

مشاهده شد که مجموعه‌ای از برخوردهای غیرقانونی با آنان و والدین‌شان شکل گرفت؛ از جمله گرفتن تعهد یا احضار به نهادهای امنیتی.

در مورد حق دسترسی به اطلاعات نیز پیمان نامه حقوق کودک دولت‌ها را موظف کرده که زمینه‌های دسترسی کودکان به اطلاعات و مطالبی که از منابع ملی و بین‌المللی تهیه شده است و به‌ویژه در ارتباط با اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی کودک می‌شود را فراهم کنند. این اطلاعات می‌تواند به واسطه‌های مختلف از جمله رسانه‌های گروهی یا کتاب، در اختیار کودکان قرار گیرد. البته همان‌طور که در بخش‌های قبلی گفتیم دسترسی کودکان به اطلاعات به‌ویژه محتواهای موجود در فضای مجازی، یک دسترسی بدون کنترل نیست ولی کنترل‌ها باید معقول و منطقی و فقط با هدف حمایت از کودک در برابر محتواهای زیان‌آور باشد. متأسفانه آنچه که در ایران شاهدیم، محدودسازی جدی دسترسی به محتوا از طریق اینترنت است. این محدودسازی سیستماتیک بوده و بیش‌تر با اهداف سیاسی انجام می‌شود. از طرف دیگر سرعت نامطلوب اینترنت در ایران نیز مشکلات کودکان در دسترسی به محتواهای لازم را دشوار کرده. اگر به فعالیت صداوسیما نیز توجه کنیم می‌بینیم اکثراً برنامه‌های هدف‌دار در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. به همین دلیل می‌توان گفت که حق دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران تا حد زیادی محدود و مخدوش شده است.

## حقوق کودک در فضای مجازی و بازی‌های



### رایانه‌ای

یکی از مسائل به‌روز در حوزه حقوق کودک، وضعیت کودکان در فضای مجازی است. در چند سال اخیر با گسترش شبکه‌های

اجتماعی و استفاده عموم مردم از اینترنت، پای کودکان نیز به این شبکه‌ها باز شده. فعالیت کودکان در فضای مجازی در سنین پایین‌تر بیش‌تر با تشویق یا هدایت والدین کودک و در سال‌های نوجوانی بیش‌تر توسط خود کودک صورت می‌گیرد. در اغلب موارد فعالیت کودکان در شبکه‌های اجتماعی با هدف کسب درآمد و بعضاً با هدف تفریح یا آموزش و کسب اطلاعات انجام می‌شود. شاید در ابتدا اکثر مردم از زبان‌های حضور بی‌رویه کودک در فضای مجازی بی‌اطلاع بودند، اما بعدها تحقیقاتی صورت گرفت که اثبات کرد برخی رفتارهای کودکان در فضای مجازی، سلامت و حقوق آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. ممکن است کودک در فضای مجازی مورد سؤاستفاده‌های مختلفی قرار گیرد. مثلاً به اعمال خشونت کشیده شده یا مورد سؤاستعمال جنسی قرار گیرد. بنا بر همین آگاهی کشورها به این نتیجه رسیدند که مقرراتی پیش‌بینی کنند تا ضررهای فعالیت کودکان در فضای مجازی بر حقوق آن‌ها به حداقل برسد. همچنین است در مورد بازی‌های رایانه‌ای، چرا که در سال‌های اخیر بازی‌های رایانه‌ای به عمده‌ترین سرگرمی کودکان و نوجوانان تبدیل شده است.

اگر به پیمان‌نامه حقوق کودک و دو پروتکل آن نگاه کنیم متوجه می‌شویم که این اسناد به حقوق کودک در فضای مجازی اشاره مستقیمی ندارند. فقط از طریق مواد عمومی (مانند حق کودک بر سلامتی، یا حق کودک بر حریم خصوصی) می‌توان گفت که والدین و سرپرستان کودک و همچنین دولت باید تدابیری پیش‌بینی کنند تا کودک از آسیب‌های فضای مجازی محافظت شود. به عنوان مثال در ماده ۱۹ پیمان‌نامه حقوق کودک گفته شده که: «کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا

روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سؤرفتار یا بهره‌کشی از جمله سؤاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست قانونی (یا سرپرستان) یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند.»

در این راستا دولت‌ها از طرق زیر تلاش می‌کنند تا کودک را از آسیب‌های فضای مجازی دور کرده و حقوق آن‌ها را در این محیط تا حد ممکن تأمین کنند:

آموزش به والدین و کودکان

کنترل محتوای زبان‌آور و غیرقانونی

ایجاد فیلترهای مناسب

نظارت بر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و بازی‌های آنلاین

در قوانین ایران هم مقررات خیلی روشن و واضح و مستقیمی که به حقوق کودک در فضای مجازی بپردازد وجود ندارد. مقررات موجود یا کلی هستند، یا جواب‌گوی نیازهای فعلی نیستند. مثلاً در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در قالب سؤرفتار و بهره‌کشی اقتصادی، برخی از رفتارها نسبت به کودک به عنوان رفتار آسیب‌زا قلمداد شده است. در ماده یکم این قانون، سؤرفتار به این شکل تعریف شده است: «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سؤاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمعارف یا خودداری از کمک به وی.»

همچنین بهره‌کشی اقتصادی این‌طور تعریف شده است: «به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان با وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که

از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان، برای وی مضر یا خطرناک باشد.» گرچه با همین دو تعریف می‌توان گفت فعالیت بدون کنترل کودکان در فضای مجازی صحیح نیست و در برخی موارد رفتار والدین نسبت به کودک در فضای مجازی نوعی از خشونت است، اما از آنجا که مصادیق آسیب‌پذیری کودک در فضای مجازی روشن نشده و نیز برای پیشگیری از تضییع حقوق کودک در فضای مجازی تدابیری پیش‌بینی نشده، این‌گونه مقررات عملاً کارایی کافی و لازم را ندارند. در قانون جرایم رایانه‌ای و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند نیز برخی رفتارها در فضای مجازی جرم‌انگاری شده، اما این موارد هم برای بزرگسالان است و هم برای کودکان. با این وجود در ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان جرایم مرتبط با فضای مجازی در مورد کودکان جرم‌انگاری شده است. بر اساس بخش‌هایی از این ماده، رفتارهای زیر جرم هستند:

- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه‌نگاری یا سؤاستفاده جنسی
- در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان
- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل
- واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده، یا حمل و نگهداری آن‌ها
- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع

در مورد بازی‌های الکترونیکی و آنلاین باید توجه کرد که به طور کلی «بازی کردن» یکی از حقوق کودک محسوب می‌شود. ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک سرگرمی و فراغت و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری را به عنوان یک حق برای کودک به رسمیت شناخته. در این راستا در تفسیر عمومی شماره ۱۷ کمیته حقوق کودک اشاره شده که بازی‌های الکترونیکی یک واقعیت زندگی کودکان در فضای مجازی است. همچنین سازمان ملل نیز در دستورعمل‌های خود دولت‌ها را به پیش‌بینی تدابیری برای حفاظت کودکان از بزه‌دیدگی در فضای مجازی موظف کرده است. در حقوق ایران برخی مقررات کلی که در بالا ذکر شد، نسبت به بازی‌های رایانه‌ای نیز صدق می‌کند. علاوه بر آن‌ها برخی مقررات خاص نیز وجود دارد، از جمله «آیین‌نامه مجوز تأسیس و نظارت بر مراکز عرضه و استفاده از بازی‌های تصویری و رایانه‌ای». در قانون جرایم رایانه‌ای و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند نیز مواردی را می‌توان یافت که سعی کرده از کودک در مقابل بازی‌های رایانه‌ای مستهجن و مبتذل حمایت کند. با این حال این قوانین کلی به هیچ‌وجه پاسخگوی شرایط فعلی جامعه نیست. لازم است قانونگذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان موادی را در جهت حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی و همچنین امور سمعی و بصری پیش‌بینی کند. البته باید توجه شود که تمامی محدودیت‌ها و ضوابط پیش‌بینی شده باید در راستای حمایت از کودک باشد، نه اینکه تمامی محتواها فیلتر شده و محتواهای خاصی در اختیار کودک قرار بگیرد. به عنوان مثال می‌دانیم بازی‌هایی با حمایت برخی ارگان‌های دولتی مانند بسیج تولید شده که به کودک طرفداری از نوعی ایدئولوژی یا تفکر خاص سیاسی را تحمیل می‌کنند یا

محتوای خشونت‌آمیز دارند. این نوع بازی‌ها گرچه ممکن است محتوای مستهجن نداشته باشند اما طبعاً می‌تواند اثرات مضر روانی بر کودک داشته باشد. به عنوان نکته پایانی اشاره کنیم که هم دولت و هم سرپرست و والدین کودک باید تدابیری پیش‌بینی کنند تا کودک از مضرات فضای مجازی در امان باشد. به عبارتی محافظت از کودک هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی از حقوق کودک و از وظایف دولت و والدین است.

## کودک و حق بر حفظ حریم خصوصی او

حریم خصوصی قلمرویی از زندگی شخصی افراد است که ترجیح داده می‌شود از دید دیگران مخفی بماند. حریم خصوصی ممکن است مربوط به جسم، اطلاعات شخصی، ارتباطات خصوصی، منزل و خلوت و مسائلی از این قبیل باشد. مثلاً اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی و جسمی یک شخص، اطلاعات هویتی مانند نام و نام‌خانوادگی یا کد ملی یا مثلاً محل سکونت، سوابق تحصیلی و شغلی از حریم خصوصی افراد هستند. این حق برای تمامی انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و رعایت آن در مورد کودکان اهمیت بیش‌تری می‌تواند داشته باشد. ممکن است افشای اطلاعات خصوصی کودکان موجب سرخوردگی و حتی بزه‌دیدگی آن‌ها شود. به همین دلیل هم در اسناد بین‌المللی و هم در قوانین داخلی، حق حریم خصوصی کودک مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال در مجموعه مقررات مربوط به دادرسی ویژه نوجوانان، حق حریم خصوصی برای کودکان به رسمیت شناخته شده. مقررات سازمان ملل در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز به عدم افشای هویت و سوابق کودکان تأکید دارد.

همچنین در ماده ۱۶ پیمان نامه حقوق کودک ذکر شده که: «۱. در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان به صورت دلخواه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. ۲. کودک در برابر این گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد.»

در قوانین داخلی ایران یک سری مواد کلی وجود دارند که مصادیقی از حریم خصوصی را بیان کرده و افشای آن‌ها را با ضمانت‌اجراهایی مواجه کرده‌اند. این مواد هم نسبت به بزرگسالان و هم نسبت به کودکان صادق است. از جمله در قانون مجازات اسلامی، افشای اسرار خصوصی مردم جرم‌انگاری شده است. (ماده ۶۴۸) یا در قانون جرایم رایانه‌ای ذکر شده که انتشار تصاویر خصوصی افراد بدون رضایت آن‌ها ممنوع است. (ماده ۱۷) در مورد کودکان به طور خاص با موادی برخورد می‌کنیم که هدف آن‌ها حفاظت از حریم خصوصی کودک است. به عنوان مثال در ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده که: «در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.» یا در ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان آمده که: «هر کس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشا و یا جزئیات جرم ارتكابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی و یا با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند به گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتكاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان

یا خانواده وی شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»

می‌بینیم که مواد فوق نه تعریف درستی از حریم خصوصی ارائه کرده و نه مصادیق آن روشن است. در حوزه حریم خصوصی به‌ویژه حریم خصوصی کودک مشکلات قانونی عدیده‌ای وجود دارد. مثلاً در حقوق ایران مشخص نیست که رابطه بین والدین و حریم خصوصی کودک چیست؟ یا مشخص نیست که ضمانت اجرای نقض حریم خصوصی کودک چیست؟ به عنوان مثال می‌توان پرسید آیا والدین حق دارند که با انتشار تصاویر کودکان خود در شبکه‌های اجتماعی، هویت و خصوصیات اخلاقی و آدرس منزل و مدرسه و غیره را افشا کنند؟ قطعاً این موارد جزء حریم خصوصی است و یک فرد بزرگسال می‌تواند آن‌ها را منتشر کند، اما آیا رضایت خود کودک در اینجا می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد؟ متأسفانه پاسخ این سوالات را نمی‌توان در قوانین ایران یافت. برای از بین بردن این‌گونه خلأها لایحه حمایت از حریم خصوصی تنظیم شده ولی تاکنون تصویب نشده است.

## حقوق کودک در دادرسی‌ها و حمایت از کودک بزه‌کار یا بزه‌دیده



هر کودک همانند یک بزرگسال ممکن است در معرض بزه‌دیدگی قرار گیرد. یعنی شخصی علیه کودک جرمی را مرتکب شود. همچنین کودکان هم احتمال ارتکاب جرم را دارند. پس با توجه به وضعیت جسمی و روانی کودک و احتمال آسیب‌پذیری بیش‌تر او از جرم یا مجازات، قوانین برای داخل کردن کودک در دادرسی‌ها سازوکارهای رسیدگی متفاوتی (نسبت به بزرگسالان) پیش‌بینی

کرده‌اند. این سازوکارها در جهت حمایت از کودک بزهکار یا قربانی جرم است. مهم‌ترین مسائل آیین دادرسی کودکان این‌ها هستند:

### - رسیدگی در دادرسی ویژه اطفال و دادگاه اطفال و نوجوانان:

قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرده است که تحقیقات مقدماتی جرایم افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال، در دادرسی ویژه اطفال انجام شود. تحقیقات در مورد افراد زیر ۱۵ سال مستقیماً در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌شود. (ماده ۲۸۵) همچنین پلیس در صورت دستگیری افراد زیر ۱۸ سال حق انجام تحقیقات مقدماتی را ندارد و باید بلافاصله موضوع را به دادرسی یا دادگاه اطفال گزارش کند. «در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند.» (ماده ۲۸۷)

همچنین به جرایم افراد زیر ۱۸ سال در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. (ماده ۲۹۸) با این وجود، اگر جرم فرد زیر ۱۸ سال از جرایمی باشد که در صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری یک است که با تعدد قضات رسیدگی می‌شود، به جرم او در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد. (ماده ۳۱۵) قضات دادگاه اطفال باید حداقل پنج سال سابقه قضایی و شایستگی‌های لازم را داشته باشند. (ماده ۴۰۹) مشاوران دادگاه اطفال نیز باید از بین

متخصصینی که دارای شرایط خاصی هستند انتخاب شوند. (ماده ۴۱۰) در برخی موارد ممکن است مصلحت کودک مجرم ایجاب کند که خودش در دادگاه حاضر نشود. در این صورت قاضی می‌تواند بدون حضور کودک جلسه را برگزار کند. (ماده ۴۱۴) در مورد کودکانی که قربانی جرم هستند نیز قانون پیش‌بینی کرده حتی‌المقدور پرونده‌هایی که قربانی آن افراد زیر ۱۸ سال هستند در دادرسی و دادگاه‌هایی رسیدگی شود که به این موضوع اختصاص داده شده‌اند. (ماده ۲۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)

**محرمانگی در تحقیقات مقدماتی و دادرسی:** از دیگر حقوق کودکان در دادرسی‌های کیفری، محرمانه‌بودن تحقیقات مقدماتی و دادرسی آن‌ها در دادگاه است. قانون برای اینکه یک کودک قربانی جرم یا یک کودک مجرم در آینده از لحاظ روانی دچار آسیب نشود، عموماً هم تحقیقات مقدماتی و هم دادرسی در پرونده‌های کیفری کودکان را به نوعی محرمانه اعلام کرده است. در کل اصل بر این است که مرحله تحقیقات مقدماتی در تمامی جرایم محرمانه بوده و این امر در مورد کودکان نیز صادق است. اما در مرحله دادگاه اصل بر این است که دادرسی‌ها علنی انجام شود و فقط در مورد کودکان به‌عکس است. یعنی روند رسیدگی به پرونده کودکان در دادگاه نیز باید تا حدی محرمانه بماند. در قانون حمایت از خانواده ذکر شده که افشای اطلاعات هویتی یا جزئیات پرونده افراد زیر ۱۸ سالی که قربانی جرم شدند ممنوع است. (ماده ۱۹)

**حق بهره‌مندی از وکیل:** اگر کودکی مرتکب برخی از جرایم شود حتماً باید در دفاع از او یک وکیل دادگستری استخدام شود. اگر والدین یا سرپرست کودک برای او وکیل تعیین کنند که هیچ، اما در غیر این صورت دادرسی یا دادگاه موظف است برای کودک وکیل تعیین کند. این جرایم عبارتند از جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در

صلاحیت دادگاه کیفری یک است، یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است، و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر. (ماده ۴۱۵)

- **پلیس ویژه اطفال:** در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده که برای انجام وظایف ضابطان در مورد افراد زیر ۱۸ سال باید پلیس ویژه اطفال در نیروی انتظامی تشکیل شود. (ماده ۳۱) این مقرر به‌سیار خوب و مفید است. زیرا پلیسی که مثلاً به جرایم مواد مخدر یا سرقت می‌پردازد طبیعتاً شاید روحیات و آموزش‌های لازم در برخورد با کودکان را نداشته باشد. نیروهای متخصص پلیس در امور مربوط به کودکان و نوجوانان قطعاً بهتر می‌توانند با یک کودک بزه‌کار کنار آمده و حتی در کشف حقیقت بهتر عمل کنند. در این قانون پیش‌بینی شده که برای تعیین حدود و اختیارات پلیس ویژه، لایحه‌ای توسط رئیس قوه قضاییه تنظیم و به مجلس فرستاده شود. قوه قضاییه پس از سال‌ها در سال ۱۴۰۰ این لایحه را تنظیم کرد و به مجلس فرستاد. مجلس شورای اسلامی هم تاکنون این لایحه را بررسی و تصویب نکرده است. به همین دلیل در عمل، پلیس ویژه اطفال هنوز در ایران تشکیل نشده است.

- قرار تأمین در مورد اطفال و نوجوانان: وقتی که شخصی مرتکب جرمی شود، دادسرا یا دادگاه تعیین می‌کند که تا زمان صدور حکم قطعی، شخص متهم به صورت موقت در بازداشتگاه بماند یا با گرفتن تضمینی آزاد باشد. به این تصمیم «قرار تأمین قضایی» گفته می‌شود. مانند قرار بازداشت موقت، قرار وثیقه، یا قرار کفالت. با توجه به وضعیت آسیب‌پذیر کودکان از لحاظ جسمی و روحی، قانونگذار قرار تأمین قضایی افراد زیر ۱۸ سال را متفاوت از افراد بزرگسال اعلام کرده است. به عبارتی در مورد کودکان نسبت به بزرگسالان سختگیری‌های کم‌تری پیش‌بینی

شده. (ماده ۲۸۷) به این صورت که اولاً نگهداری موقت متهمین زیر ۱۸ سال نه در زندان، بلکه در «کانون اصلاح و تربیت» انجام می‌شود. دوم اینکه صدور قرار وثیقه یا کفالت فقط برای نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال است. سوم با توجه به اینکه عموماً مجازات جرایمی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند کم‌تر از مجازات همان جرم برای بزرگسالان است، خودبه‌خود موارد بازداشت یا همان نگهداری موقت فرد زیر ۱۸ سال کم‌تر می‌شود. با این حال در صدور قرار نگهداری موقت برای کودکان نسبت به بزرگسالان شرایط خاص‌تری پیش‌بینی نشده است. بهتر بود این شرایط متناسب با وضعیت سنی کودکان پیش‌بینی می‌شد. مثلاً اینکه اگر بازپرس تصمیم به صدور قرار نگهداری موقت دارد، باید از روانشناس کودک نظریه بگیرد.

- **دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد:** یکی از تدابیر حمایتی که قانون برای کودکان قربانی جرم پیش‌بینی کرده این است که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی علیه این کودکان، اعلام جرم کرده و در دادرسی‌ها شرکت کنند. ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند کودکان بزه‌دیده یا ولی و سرپرست آن‌ها را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه کنند. (ماده ۶۶) این مقررہ نیز به نفع کودکان قربانی جرم است، زیرا طبیعتاً سازمان‌هایی که به صورت حرفه‌ای در مورد حقوق کودک فعالیت می‌کنند می‌توانند نقش موثری در یک پرونده کیفری به نفع کودک قربانی اعمال کنند. البته بهتر بود این ماده اختیارات بیش‌تری (از جمله جمع‌آوری دلایل) به این سازمان‌ها می‌داد. در کل با توجه به موانع جدی که پیش روی سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد، این سازمان‌ها از قدرت کافی برای ایفای نقش در جامعه برخوردار نیستند.

- عمومی بودن جرایم علیه کودکان و نوجوانان: در قوانین ایران پیش‌بینی شده جرایمی که علیه کودکان و نوجوانان اتفاق می‌افتد، از جمله جرایمی هستند که جنبه عمومی دارند. **ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان** با این توضیح که بعضی از جرایم دارای جنبه خصوصی هستند. این‌ها جرایمی هستند که با شکایت شاکی خصوصی شروع شده و در صورت گذشت او، تعقیب کیفری متوقف می‌شود. مانند توهین به اشخاص یا ضرب و جرح که شخص قربانی باید شکایت کند. برخی از جرایم نیز دارای جنبه عمومی هستند (مثل رشوه) که در این موارد نیازی به شکایت شاکی نیست، بلکه دادستان به محض اطلاع باید نسبت به تعقیب متهم اقدام کند. حال در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان یک سری جرایم پیش‌بینی شده که همگی دارای جنبه عمومی هستند. یعنی هر شهروندی با اطلاع از آن‌ها می‌تواند اعلام جرم کند و دادستان در صورت اطلاع از آن جرم باید پرونده کیفری باز کند. مثلاً اگر کودکی توسط عموی خود مورد ضرب و جرح قرار گیرد لازم نیست که حتماً پدر یا مادر یا سرپرست او شکایت کند تا عمو تحت تعقیب قرار گیرد، بلکه هر شخصی می‌تواند آن را به دادستان یا پلیس گزارش دهد و دادستان باید عمو را تحت تعقیب قرار دهد. به این ترتیب حتی اگر خود کودک یا والدین او رضایت بدهند هم پرونده بسته نخواهد شد. این سیاست از جهات مختلف به نفع کودک قربانی است؛ زیرا در مواردی امکان دارد که والدین کودک مرتکب جرم باشند و طبیعتاً آن‌ها از خودشان شکایت نخواهند کرد، یا دیگر اعضای خانواده از مثلاً پدر خانواده به دلیل ترس از او شکایت نخواهند کرد. در این موارد است که قانون شکایت شاکی خصوصی را شرط شروع تعقیب قرار نداده. البته قابل ذکر است فقط جرایم موضوع قانون

حمایت از اطفال و نوجوانان جنبه عمومی دارند. برخی از جرایم دیگر علیه افراد زیر ۱۸ سال ممکن است منوط به شکایت شاکی خصوصی باشند، مانند توهین یا ترک نفقه. همچنین در جهات قانونی برای شروع به تعقیب کیفری شخصی که علیه کودک مرتکب جرم شده، با زمانی که قربانی بزرگسال باشد متفاوت است. جهات قانونی یعنی مواردی که دادستان تشکیل پرونده داده و اقدام به تعقیب کیفری متهم می‌کند. اصولاً اگر شخصی جرمی را گزارش می‌کند باید هویت او معلوم باشد، اما در مورد جرایم علیه اطفال اگر هویت گزارش‌دهنده مشخص نباشد باز برای شروع به تعقیب کافی است. ضمن اینکه خود کودک قربانی نیز می‌تواند از دادستان تقاضای تعقیب کند. **(ماده ۳۰ قانون**

### **حمایت از اطفال و نوجوانان)**

پس گزارش جرم علیه کودکان به این دو شیوه انجام می‌شود:

#### **الف) تقاضای طفل و نوجوان**

ب) گزارش‌ها و درخواست‌های مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد.

- تعیین قیمت موقت یا اقدام شخص دادستان: همان‌طور که در مبحث قبلی توضیح داده شد در برخی از جرایمی که علیه کودکان اتفاق می‌افتد ممکن است شکایت ضروری باشد. با توجه به اینکه خود کودک (به‌ویژه در سنین پایین) اهلیت شکایت کردن را ندارد، حتماً لازم است سرپرست کودک که ممکن است والدین یا شخص دیگری باشد شکایت کنند. در برخی موارد ممکن است سرپرست کودک خلاف مصلحت او از شکایت کردن در مورد جرمی که علیه کودک اتفاق افتاده امتناع کند. مثلاً خود پدر و مادر

علیه کودک مرتکب جرم شده باشند. یا شخص دیگری مرتکب جرم شده باشد اما والدین به دلایل فرهنگی خواهان شکایت نباشند؛ مثلاً جرمی که علیه کودک اتفاق افتاده را مهم ندانند. در این گونه موارد قانون آیین دادرسی کیفری در حمایت از کودک قربانی وارد عمل می‌شود. در این قانون گفته شده در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده کودک است و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب از دست رفتن زمان یا ضرر رسیدن به کودک شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین کرده یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است. (مواد ۷۰ و ۷۱)

به عبارت ساده، اگر ولی یا سرپرست کودکی که قربانی جرم شده به هر دلیل نخواهد یا نتواند به نمایندگی از کودک شکایت کند، دادستان یک نفر را به عنوان سرپرست موقت تعیین می‌کند تا او نسبت به شکایت اقدام نماید. یا اینکه بدون تعیین سرپرست، خودش وارد عمل شده و به نمایندگی از کودک قربانی از مرتکب جرم شکایت می‌کند.

### جرایم ارتكابی کودکان



کودکان نیز مانند بزرگسالان ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف ناهنجاری‌هایی از خود نشان دهند. امکان دارد این ناهنجاری‌ها

در مواردی منجر به ارتکاب جرم شود. از لحاظ تئوری، کودک می‌تواند فاعل هر جرمی باشد اما عمده‌تاً کودکان جرایم خاصی را انجام می‌دهند. مثلاً یک کودک نمی‌تواند رشوه‌گیرنده یا اختلاس‌گر باشد؛ زیرا افراد زیر ۱۸ سال نمی‌توانند در دولت استخدام شوند تا رشوه بگیرند. بیش‌تر جرایمی که کودکان انجام می‌دهند ضرب‌وجرح، سرقت یا جرایم مربوط به موادمخدر است. در تمامی کشورها سنی تعیین شده که کودک زیر آن سن در صورت ارتکاب جرم هیچ مسئولیت کیفری ندارد و مجازات نمی‌شود. البته عدم مجازات به معنای آن نیست که خسارت وارده به زیان دیده نیز جبران نمی‌شود، بلکه سرپرست طفل موظف به جبران خسارت است. همچنین امکان دارد برای طفل بزهکار یک سری تدابیر تربیتی از جمله مشاوره روانشناسی اندیشیده شود.

به هر حال کودکان در سن پایین ماهیت عمل خود را ندانسته و به اصطلاح قصدی برای ارتکاب جرم ندارند. همان‌طور که در اوایل این کتاب گفته شد در قوانین ایران در مورد سن کودکی ابهاماتی وجود دارد اما به هر حال در قانون مجازات اسلامی آمده که سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ است. سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال قمری در نظر گرفته شده. **(مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی)** این قانون پیش‌بینی کرده که اگر افراد نابالغ مرتکب جرم شوند، ممکن است در مورد آن‌ها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال شود. **(ماده ۱۴۸)** کودکان بالای این سنین اصولاً مسئولیت کیفری دارند. با این وجود قوانین ایران در مجازات‌هایی که برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال در نظر گرفته، پاره‌ای از تخفیف‌ها را اعمال کرده است. به عبارتی مسئولیت کیفری افراد زیر ۱۸ سال، از مسئولیت کیفری افراد بالای ۱۸ سال متفاوت است. مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی درباره جرایم

و مجازات‌های اطفال و نوجوانان است. این مجازات‌ها با توجه به نوع جرم (مثلاً حدی یا تعزیری) یا رده سنی کودک یا شدت و ضعف جرم تعیین شده است که در زیر به صورت خلاصه توضیح می‌دهیم:

۱. در مورد کودکان و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم بین ۱۵ تا ۱۵ سال دارند و مرتکب جرم تعزیری شده‌اند، دادگاه این تصمیمات را اعمال می‌کند:

- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی، با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حُسن اخلاق طفل یا نوجوان
  - معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
  - فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی
  - اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان، تحت نظر پزشک
  - جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
  - جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین
  - نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
  - اخطار و تذکر یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
  - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال؛ در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج
۲. کودکان پسر ۱۲ تا ۱۵ ساله اگر مرتکب جرم حدی یا قصاص شوند، از طرف دادگاه در مورد آن‌ها این تصمیمات گرفته می‌شود:

- اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم  
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال؛ در  
مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج  
۳. نوجوانانی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن داشته و مرتکب جرم  
تعزیری می‌شوند با این مجازات‌ها روبه‌رو خواهند بود:  
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال؛ در مورد  
جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است  
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال؛ در مورد  
جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است  
- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال، یا  
پرداخت جزای نقدی

- پرداخت جزای نقدی یا انجام ۶۰ تا ۱۸۰ ساعت خدمات عمومی  
رایگان؛ در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه  
شش است

- پرداخت جزای نقدی؛ در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها  
تعزیر درجه هفت و هشت است

۴. اگر یک فرد بالغ کمتر از ۱۸ سال مرتکب جرم حدی یا جرم  
مستوجب قصاص (مانند قتل) شود، اصولاً مجازاتش همانند  
بزرگسالان است؛ مگر اینکه ثابت شود او رشد عقلی نداشته و  
ماهیت کاری که کرده را نمی‌داند است. دادگاه برای تشخیص  
این امر از پزشکی قانونی استعلام می‌کند، اما الزامی برای  
پذیرفتن نظر پزشکی قانونی ندارد. گرچه این قانون یک قدم  
مثبت برای جلوگیری از اعدام کودکان است، ولی در صورت  
ارتکاب برخی از جرایم امکان اعدام آن‌ها منتفی نیست؛ چنان

که در سال‌های اخیر تعداد قابل توجهی از کودکان مجرمان اعدام شده‌اند. این مسئله از لحاظ حقوقی پذیرفته نیست و خلاف تعهدات بین‌المللی ایران است.

## جرائم ارتكابی علیه کودکان

همان‌طور که ممکن است یک کودک مرتکب جرم شود، امکان دارد علیه او نیز جرمی واقع شده و خود کودک قربانی جرم شود. در این وضعیت قطعاً یک کودک نسبت به بزرگسالان آسیب‌پذیرتر می‌بیند. از طرف دیگر ممکن است یک رفتار خاص نسبت به افراد بزرگسال جرم نباشد، اما نسبت به کودکان جرم باشد؛ مثلاً ترک نفقه یا عدم ثبت‌نام کودک در مدرسه. به همین دلیل، موضوع برخی از جرائم صرفاً کودکان هستند. قوانین کشورهای نسبت به کودکان قربانی جرم یک سری تدابیر حمایتی پیش‌بینی کرده‌اند که در مباحث قبلی توضیح داده شد. در این مبحث جرایمی که بیش‌تر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده را توضیح می‌دهیم. این جرائم در فصل سوم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان طی مواد هفت تا ۲۷ ذکر شده است:

۱. امتناع از ثبت‌نام و فراهم‌کردن شرایط تحصیل کودک واجد شرایط تا پایان دوره متوسطه و جلوگیری از تحصیل او (ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)
۲. تهدید، ترغیب و تشویق یا فریب کودک به فرار از خانه یا مدرسه یا ترک تحصیل
۳. بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاصی غیر از والدین نسبت به کودک که منجر به یکی از نتایج زیر شود:

## فوت کودک

فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج یا دائمی جسمی یا روانی، یا ایراد جراحی

نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضا، یا بروز بیماری روانی جراحی سر و صورت یا گردن

آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر ارتکاب این جرایم توسط والدین نیز جرم است، اما نکته اینکه والدین به حداقل مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند.

۴. آزار جنسی کودک که بر اساس نوع آزار، مجازات‌ها متفاوت است. در قانون این موارد از آزارهای جنسی جرم‌انگاری شده: آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف

سایر آزارهای جنسی تماسی

آزار جنسی غیرتماسی توسط محارم یا با عنف

سایر آزارهای جنسی غیرتماسی

بهره‌کشی جنسی از کودک از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیرکردن برای هرزه‌نگاری یا سؤاستفاده جنسی

در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به کودک

استفاده از کودک برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل

واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بازرگانی محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از کودکان بهره‌گیری شده، یا حمل و نگهداری آن‌ها

برقراری ارتباط با کودک در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع

۵. هرگونه معامله راجع به کودک به هر منظوری از جمله با هدف فحشا و هرزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضا و جوارح، یا استفاده از کودک در فعالیت‌های مجرمانه و واسطه‌گری در آن

۶. قاچاق کودک

۷. انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضا و جوارح کودک

۸. فراهم کردن موجبات خودکشی کودک یا تسهیل آن

۹. بهره‌کشی اقتصادی از کودک

۱۰. در اختیار قراردادن یا فروش مواد دخانی به کودک، یا به واسطه آنان

۱۱. افشای هویت یا اطلاعات یا اسرار کودکی که قربانی جرم قرار گرفته، به نحوی که موجب آسیب به او شود

۱۲. ترک نفقه کودک (ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده)

۱۳. خودداری از انجام تکالیف قانونی مربوط به حضانت (ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده)

## وضعیت مخاطره‌آمیز کودک



در برخی مواقع ممکن است کودک در وضعیتی قرار گیرد که نیازمند حمایت باشد. این حمایت قطعاً باید از طرف ارگان‌های دولتی صورت گیرد. به این حالت «وضعیت مخاطره‌آمیز» گفته می‌شود. مثلاً اگر کودک توسط والدین یا سرپرست خود به تكدی‌گری مجبور شده باشد، یا کودک به بیماری مبتلا شده

و نیازمند حمایت باشد. در همه این موارد علاوه بر اینکه باید با مسبب وضعیت مخاطره‌آمیز برخورد کرد، بلکه باید از کودک حمایت شده و او را توانمند کرد. سازمان‌هایی مانند بهزیستی، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، وزارت کشور و وزارت کار هر کدام در چهارچوب وظایف خود در این زمینه تکالیفی را به عهده دارند. مثلاً سازمان بهزیستی باید کودکانی که از طرف خانواده طرد شده‌اند را شناسایی کرده و اسکان دهد. یا آموزش و پرورش با همکاری سازمان ثبت احوال باید کودکانی که در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند را شناسایی کرده و نسبت به ثبت‌نام آنان در مدارس اقدام کند. در ماده‌های چهارم تا ششم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تفصیل وظایف این ارگان‌ها در قبال کودکان آسیب‌پذیر ذکر شده. ماده سوم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصداق‌های وضعیت مخاطره‌آمیز کودکان را چنین برشمرده است:

(الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان، یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است

(ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری با اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی، و بیماری‌های جسمی و سایر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی

(پ) زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی

(ت) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار

(ث) قوادی و دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی، یا شهرت آن‌ها به

## فساد اخلاقی و فحشا

(ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر

(چ) عدم اقدام برای ثبت ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه

(ح) بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل

(خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده

(د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای او به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی

(ذ) نقض قوانین جزایی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان، یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، واردشدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به موادمخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی (ر) هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابیتی

(ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان

(ژ) سؤرفتار نسبت به طفل و نوجوان یا بهره‌کشی از او

## حقوق کودکان دارای معلولیت

کودکان به دلیل وضعیت جسمی و روانی که دارند نیازمند حمایت مضاعف هستند. در این میان وضعیت آسیب‌پذیری تمام کودکان یکسان نیست. برخی از کودکان ممکن است بیش‌تر در معرض

نقض حقوق خود قرار گیرند، از جمله کودکان دارای معلولیت که طبیعتاً نیازمند مراقبت بیش‌تر از طرف والدین و سرپرست و حمایت بیش‌تر از طرف نهادهای دولتی هستند. برخی از قوانین بین‌المللی و داخلی در مورد افراد دارای معلولیت - به طور کلی و به صورت خاص - مقرراتی را پیش‌بینی کرده‌اند. «پیمان‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت» به عنوان یک سند بین‌المللی و همچنین «قانون حمایت از حقوق معلولان» دو منبع قانونی مهم در این زمینه هستند. در پیمان‌نامه حقوق کودک هم ماده ۲۳ مشخصاً به حقوق کودکان دارای معلولیت اختصاص دارد. با توجه به اهمیت این ماده متن آن را عیناً در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱. کشورهای طرف پیمان‌نامه اذعان دارند کودکی که از نظر ذهنی یا جسمی دچار نقص است، باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکابه‌نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل کند، از یک زندگی آبرومندانه و کامل برخوردار گردد.

۲. کشورهای طرف پیمان‌نامه، حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارائه این مراقبت‌ها را بنا به اقتضای مناسب شرایط والدین یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این‌گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از او هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد.

۳. با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمک‌های مقرر شده در پاراگراف دوم ماده حاضر در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال

و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی (از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی) می‌شود داشته باشد.

۴. کشورهای طرف پیمان‌نامه در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبادله اطلاعات لازم را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی، پیش‌گیری، معالجات پزشکی، روانشناسی و عملی کودکان معلول (از جمله انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به روش‌های توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای) با هدف قادر ساختن کشورهای طرف پیمان‌نامه به پیش‌برد توانایی‌ها و مهارت‌های خود و گسترش تجربیات آنان در این زمینه‌ها، افزایش خواهند داد. در این ارتباط به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه خاصی مبذول خواهد شد.

در این راستا برای افراد دارای معلولیت حقوقی در نظر گرفته شده است. در قوانین ایران به صورت خاص در مورد کودکان دارای معلولیت مقررهای وجود ندارد، اما تمامی حقوقی که در قانون حمایت از حقوق معلولین در نظر گرفته شده برای کودکان دارای معلولیت نیز صادق است. به عنوان مثال در قانون حمایت از حقوق معلولین آمده که دولت باید برنامه‌هایی در جهت سلامت، درمان و توانبخشی افراد دارای معلولیت اعمال کند. در این راستا وزارت بهداشت موظف شده تا بیمه سلامت این افراد را طوری تنظیم کند که شامل خدمات توانبخشی جسمی و روانی باشد. یا در ماده هفتم آمده که: «سازمان [بهبیستی] مکلف است با هدف حمایت از نگهداری و مراقبت افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید نیازمند و افراد دچار معلولیت‌های چندگانه نیازمند در خانواده پس از ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به خانواده‌ها، نسبت به پرداخت حق پرستاری یا مددکاری به سرپرست، همسر

یا قیّم این افراد اقدام نماید یا خدمات مراقبتی و نگهداری از افراد دارای معلولیت را از طریق مراکز وابسته به خود یا حمایت از مراکز غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه و تشکل‌های مردم‌نهاد) ارائه نماید.» یا پیش‌بینی شده که افراد دارای معلولیت می‌توانند از خدمات ورزشی به صورت رایگان استفاده کنند. (ماده هشتم قانون حمایت از حقوق معلولین) و همچنین به عنوان یک حمایت قضایی مقرر شده که «مراجع قضایی مکلفند چنان‌چه افراد دارای معلولیت به قیّم نیازمند باشند، هنگام نصب قیّم، نظر مشورتی سازمان [بهبزستی] را اخذ کنند. در مواردی که فرد واجد شرایطی برای پذیرش قیمومت وجود نداشته باشد یا این سمت را نپذیرد، دادگاه سازمان را به عنوان قیّم تعیین می‌کند.» (ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق معلولین)

## فرزندخواندگی

همان‌طور که در مباحث قبلی گفتیم، ممکن است یک کودک سرپرست نداشته باشد. یعنی مشخص نباشد پدر و مادرش کیست و مثلاً در خیابان رها شده باشد. در برخی مواد امکان دارد که سرپرست کودک وظایف خود را انجام نداده باشد و از او سلب صلاحیت شود. یا ممکن است والدین یک کودک به دلایلی از جمله زندانی شدن، امکان نگهداری از کودک خود را نداشته باشند. در قوانین کشور تمام مواردی که ممکن است یک کودک بدسرپرست شناخته شود ذکر نشده‌اند و تشخیص این امر با دادگاه است. البته مصادیقی در قانون ذکر شده، اما مصادیق بی‌سرپرستی فقط این موارد نیستند. به عنوان مثال در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی این موارد ذکر شده‌اند:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار

۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا

۳. ابتلا به بیماری های روانی، با تشخیص پزشکی قانونی

۴. سؤاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضداخلاقی  
مانند فساد و فحشا، تکدی گری و قاچاق

۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف

تشخیص اینکه کدام کودک بدسرپرست و کدام کودک بی سرپرست محسوب می شود با دادگاه است. در صورتی که کودکی در چنین حالتی قرار بگیرد، دادگاه می تواند تصمیم های مختلفی بگیرد که در مباحث قبلی توضیح دادیم. یکی از این تصمیمات، واگذاری کودک به سازمان بهزیستی است. اینجاست که مسئله فرزندخواندگی مطرح می شود. یعنی تحت شرایطی افراد متقاضی می توانند کودکانی که در این سازمان نگهداری می شوند را به فرزندخواندگی قبول کنند. شرایط لازم در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست ذکر شده که در اینجا به طور خلاصه هم این شرایط و هم برخی حقوق فرزندخواندگان را ذکر می کنیم.  
\* فقط کودکانی که شرایط زیر را دارند به عنوان فرزندخوانده به متقاضیان واگذار می شوند:

الف) امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر یا جد پدری کودک وجود نداشته باشد

ب) پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری کودک در قید حیات نباشند

ج) کودکانی که سرپرستی آن ها به موجب حکم مراجع صلاحیت دار به سازمان سپرده شده و تا مدت دو سال از تاریخ سپردن آنان به

سازمان، پدر و مادر یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آن‌ها مراجعه نکرده باشند

د) هیچ‌یک از پدر، مادر، جد پدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری، صلاحیت سرپرستی آن‌ها را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود (ماده ۸)

**نکته:** فقط این افراد می‌توانند سرپرستی یک کودک را به عهده بگیرند:

الف) زن و شوهری که پنج سال از تاریخ ازدواج آنان گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند، مشروط به اینکه حداقل یکی از آن‌ها بیش از ۳۰ سال سن داشته باشد. البته اگر به تشخیص پزشکی قانونی امکان بچه‌دار شدن آن‌ها وجود نداشته باشد، مدت پنج سال شرط نیست

ب) زن و شوهر دارای فرزند، مشروط بر اینکه حداقل یکی از آن‌ها بیش از ۳۰ سال سن داشته باشد

ج) دختران و زنان بدون شوهر در صورتی که حداقل ۳۰ سال سن داشته باشند، فقط حق سرپرستی دختر بچه‌ها را خواهند داشت. اگر متقاضی از بستگان کودک باشد ممکن است دادگاه برخی از این شرایط را نادیده بگیرد (ماده ۵)

اگر متقاضی واجد شرایط باشد، دادگاه خانواده ابتدا کودک را به مدت شش ماه به صورت آزمایشی به او واگذار می‌کند. پس از این مدت اگر سازمان بهزیستی صلاحیت متقاضی را تأیید کرد و دادگاه به مصلحت کودک دید، حکم سرپرستی دائمی را صادر می‌کند. (مواد ۱۱ و ۱۲)

برای اینکه کودکی که به فرزندخواندگی داده می‌شود نوعی تضمین برای زندگی داشته باشد، قانون مقرر کرده که متقاضی باید بخشی از اموال خود را به نام فرزندخوانده کرده یا در صورتی که ممکن نباشد باید تعهد دهد که در آینده این کار را بکند. البته در شرایط خاصی دادگاه می‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد. همچنین درخواست‌کننده باید متعهد شود که تمامی هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل کودک تحت سرپرستی را تأمین کرده و نیز لازم است تا به نفع فرزندخوانده بیمه عمر کند. تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است.

**(مواد ۱۴، ۱۵ و ۱۷)**

پس از صدور حکم قطعی سرپرستی، مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ثبت احوال و اداره بهزیستی مربوط ابلاغ می‌شود. اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست صادر و در قسمت توضیحات، مفاد حکم سرپرستی و نام خانوادگی والدین واقعی او را (در صورت مشخص بودن) قید کند.

**(ماده ۲۲)**

حکم سرپرستی، غیرقابل فسخ نیست. یعنی اگر سرپرست شرایط لازم را از دست بدهد یا نسبت به کودک سوءرفتار داشته باشد، یا اینکه والدین کودک پیدا شوند و صلاحیت لازم را داشته باشند، دادستان مراتب را به دادگاه اعلام کرده و دادگاه حکم سرپرستی را فسخ می‌کند.

انتقادی که می‌توان به قانون وارد کرد اینکه در تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست گفته شده: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن، بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.» با این ماده امکان اینکه سرپرست بتواند با فرزندخوانده ازدواج کند منتفی دانسته نشده است. بسیاری از فعالان حوزه حقوق کودک معتقدند این مسئله ممکن است باعث سؤاستفاده جنسی از فرزندخوانده شود.

## برخی از چالش‌های مهم کودکان ایران

### سن ازدواج

یکی از چالش‌های مهم حوزه حقوق کودک در ایران، حداقل سن ازدواج است. بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است. البته در همین ماده گفته شده که در مواردی با اذن ولی قهری و حکم دادگاه، ازدواج کودک در سن کم‌تر هم امکان‌پذیر است. بر اساس برخی اعتقادات این مقرر از شرع اسلام برگرفته شده، در حالی که مسئله بلوغ و آمادگی برای ازدواج یک مقوله نسبی است. به علاوه نمی‌توان گفت فردی که به بلوغ جنسی رسیده حتماً آمادگی روانی نیز برای ازدواج دارد. بر اساس آمارهایی که دسته‌گرفته توسط برخی مراجع ارائه می‌شود، سالانه هزاران کودک زیر ۱۳ سال و بالاتر ازدواج می‌کنند. تاکنون نیز تلاش‌های انجام شده

برای بالابردن سن قانونی ازدواج اکثراً با مخالفت افراطی‌های مذهبی بی‌نتیجه مانده است. پدیده «کودک‌همسری» در ایران معضلات بسیاری را با خود به همراه داشته. مثلاً دخترانی که در کودکی ازدواج می‌کنند اغلب از تحصیل بازمی‌مانند. تعداد قابل توجهی از این کودکان باردار می‌شوند. در اثر مقاربت‌های جنسی آسیب می‌بینند. یا در مواردی قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی طلاق می‌گیرند. به این ترتیب علاوه بر کودک‌همسری، با پدیده‌هایی همچون کودک‌مادری و کودک‌بیوه‌گی مواجه‌ایم. به همین دلیل، کودک‌همسری باعث از بین رفتن تعدادی از حقوق اولیه کودکان می‌شود. حق آموزش و حق سلامت و رفاه از جمله مهم‌ترین این حقوق است.

## سیاست افزایش جمعیت

از سال‌ها پیش در ایران سیاست افزایش جمعیت پیش گرفته شده است. در این راستا قوانین و مقررات بسیاری تصویب شده. از جمله مهم‌ترین این قوانین «قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت» است. در این قانون مراجع دولتی موظف به اتخاذ تدابیر و حمایت‌های مادی و غیرمادی در جهت افزایش زاد و ولد شده‌اند. همچنین سقط‌جنین بسیار دشوارتر از قبل شده و حتی در مورد دسترسی به داروهای ضدبارداری نیز سختگیری‌هایی اعمال شده است. علاوه بر این در انجام تست‌های غربالگری نیز موانعی ایجاد شده. این سیاست از یک طرف و وضعیت وخیم اقتصادی از طرف دیگر، طبعاً می‌تواند حقوق کودکان را مخدوش کند. تولد کودکان بدون اینکه خانواده‌ها بتوانند آن‌ها را در شرایط استاندارد نگهداری کنند باعث می‌شود حقوقی از جمله حق سلامت، حق

آموزش و حق رفاه کودکان محدود شود. سماجت غیرمنطقی حکومت بر فرزندآوری و فریب شهروندان برای بچه‌دارشدن بدون اینکه پشتوانه اقتصادی وجود داشته باشد، حقوق کودک را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

## کودکان خیابانی

از مهم‌ترین چالش‌هایی که در ایران در مورد کودکان مواجه هستیم پدیده کودکان خیابانی است. طبق ماده اول آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی «فرد کمتر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد» کودک خیابانی محسوب می‌شود.

این کودکان به دلایل مختلف از جمله بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی و وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده، در خیابان‌ها به فروختن اجناس یا تکدی‌گری می‌پردازند. این وضعیت آن‌ها را در معرض انواع آسیب‌ها قرار می‌دهد. از جمله ممکن است در باندهای فروش مواد مخدر به کار گرفته شوند یا در معرض قاچاق کودک یا اعضای بدن‌شان قرار گیرند. در برخی موارد هم مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. طبیعتاً این دسته از کودکان در بزرگسالی نیز با آسیب‌هایی مواجه می‌شوند و احتمال اینکه نتوانند یک زندگی سالم و شرافتمندانه داشته باشند به مراتب زیاد است.

در حقوق ایران قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از این پدیده و ساماندهی کودکان خیابانی پیش‌بینی شده است. در ماده سوم

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مواردی پیش‌بینی شده که در صورت تحقق آن‌ها وضعیت کودک مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود و به همین دلیل نیازمند حمایت است. به عنوان مثال وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، یا بهره‌کشی از کودک و بازماندن او از تحصیل وضعیت مخاطره‌آمیز است. در این حال سازمان‌هایی از جمله بهزیستی موظف به حمایت از کودک هستند. به عنوان مثال بهزیستی موظف است کودکان خیابانی را با کمک نیروی انتظامی شناسایی کرده و در زمینه نگهداری و توانمندسازی آن‌ها اقداماتی را انجام دهد. در این قانون همچنین برای افرادی که مسبب برخی آسیب‌ها به کودک شده‌اند مجازات‌هایی پیش‌بینی شده. به عنوان مثال در ماده ۱۵ این قانون بهره‌کشی از کودک جرم‌انگاری شده است. همچنین اگر در اثر بی‌توجهی و عدم مراقبت به کودک آسیب جسمی و روانی وارد شود، مسبب آن شامل مجازات‌های مقرر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌شود. قانون دیگر در این زمینه، قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست است. در مواردی که به تشخیص دادگاه صالح، کودک بدسرپرست یا بی‌سرپرست محسوب می‌شود ممکن است این کودک به سازمان بهزیستی واگذار شود. بهزیستی موظف است این کودکان را نگهداری و توانمند کند. بر اساس این قانون، بهزیستی باید در مورد یافتن خانواده جایگزین اقداماتی را انجام دهد. همچنین در شرایطی سرپرستی این کودکان به عنوان فرزندخوانده به متقاضیان داده می‌شود.

آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی از دیگر مقررات مهم در حوزه کودکان خیابانی است. در این آیین‌نامه سازمان بهزیستی متولی نگهداری از کودکان خیابانی و توانمندسازی آن‌ها در مراکز خاصی شده است. این مراکز چهار دسته هستند:

الف) مراکز و پایگاه‌های سطح یک (سرپایی): مراکز و پایگاه‌های ثابت و سیاری که بدون اقامت کودک، نسبت به ارائه خدمات سرپایی به او و خانواده‌اش اقدام می‌نمایند

ب) مراکز سطح دو (اقامت کوتاه‌مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا ۲۱ روز فراهم می‌کنند

ج) مراکز سطح سه (اقامت میان‌مدت): مراکزی که امکان اقامت کودک را حداکثر تا یک سال مهیا می‌کنند

د) مراکز سطح چهار (اقامت دراز مدت): مراکزی که امکان اقامت کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست را تا پایان ۱۸ سالگی تأمین می‌کنند

در این آیین‌نامه نیروی انتظامی، وزارت دادگستری، شهرداری، وزارت رفاه و چندین ارگان دیگر موظف به انجام اقداماتی برای مبارزه با پدیده کودکان خیابانی شده‌اند.

## کار کودک

از معضلات دیگری که در رابطه با حقوق کودک با آن مواجه‌ایم، کار کودک است. اصولاً کار کودک در هر شرایطی او را از تحصیل باز می‌دارد و ممکن است در محیط کار نیز آسیب‌هایی به او وارد شود. در قانون کار آمده که به‌کارگرفتن افراد کم‌تر از ۱۵ سال تمام ممنوع است (**ماده ۷۹**) و کارفرمایی که اقدام به استخدام کارگر با سن کم‌تر از ۱۵ سال کند متخلف بوده و جریمه می‌شود. همچنین هرکس که خلاف مقررات قانون کار باعث بهره‌کشی اقتصادی از کودک یا نوجوان شده، به مجازات درجه شش محکوم خواهد شد. (**ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان**) با وجود چنین ماده‌ای، در بخش‌های دیگر قانون کار

آمده که کارگاه‌های خانوادگی از شمول قانون کار خارج هستند. با این وصف امکان اینکه یک کودک ۱۵ سال در کارگاهی کار کند وجود دارد. کارگاه‌های خانوادگی کارگاه‌هایی هستند که در آن‌ها فقط کارفرما، همسرش، پدر، مادر و اولادش کار می‌کنند. بنابراین کارگاه خانوادگی کارگاهی است که اولاً کارگران آن دارای رابطه خویشاوندی نزدیک (پدر، مادر، فرزند و همسر) باشند. دوم انجام کار توسط صاحب کار و صرفاً با همان خویشاوندان صورت بگیرد و فرد دیگری به جز آن‌ها در کارگاه کار نکنند. معاف بودن این کارگاه‌ها از برخی قوانین می‌تواند موجب سؤاستفاده شود. مثلاً ورود بازرسان کار به کارگاه‌های خانوادگی ممنوع است مگر با اجازه کتبی دادستان محل. این محدودیت می‌تواند موجب سؤاستفاده از جمله بهره‌کشی از کودکان کمتر از ۱۵ سال در چنین کارگاه‌هایی شود. در قانون کار امکان کارکردن افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال که به آن‌ها «کارگران نوجوان» گفته می‌شود، تحت شرایط زیر فراهم شده:

- نوجوانان هنگام شروع به کار باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار بگیرند. بعد از استخدام نیز آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان باید حداقل سالی یک بار انجام شود. پزشک سازمان تأمین اجتماعی درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر می‌کند و چنان‌چه کار مربوطه را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکاناتش کارگر را در شغل دیگری به کار گیرد.

- حداکثر ساعات کاری روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از کارگران معمولی است. نحوه استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما مشخص می‌شود.

- ارجاع هر نوع کار اضافی یا کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت

وزبان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز یا بدون استفاده از وسایل مکانیکی، به کارگر نوجوان ممنوع است.

**نکته:** اینکته گفته می‌شود کارگران زیر ۱۵ سال یا کارگران نوجوانی که تشریفات استخدام آن‌ها رعایت نشده مشمول قانون کار نمی‌شوند، به این معنا نیست که مثلاً اگر کار کردند و کارفرما حق‌شان را نداد چون غیرقانونی کار کرده‌اند نمی‌توانند حق‌شان را بگیرند؛ بلکه به این معنا است که از طریق قانون کار نمی‌توانند اقدام کنند. مثلاً اگر کارفرمایی حقوق یک کارگر بزرگسال را ندهد، این کارگر به اداره کار رفته و علیه کارفرما شکایت می‌کند. اما اگر کارگر زیر ۱۵ سال باشد باید به دادگاه حقوقی برود.

## قاچاق کودک و اعضای او

گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از گروه‌های بزهکار اقدام به خریدوفروش کودک یا اعضای بدن آن‌ها می‌کنند. در بعضی موارد والدین خود کودک یا اعضای او را می‌فروشند و در برخی موارد کودک ربوده‌شده مورد معامله قرار می‌گیرد. در برخی موارد نیز مشاهده شده که خانواده‌های فقیر برای کسب درآمد کودک خود را به کسانی که خواهان فرزند هستند می‌فروشند. قوانین ایران سعی کرده در مقابل پدیده خریدوفروش کودک بایستد. عمده تدابیری که قوانین ایران پیش‌بینی کرده تدابیر کیفی است. طبق ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: «هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس

درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. چنان‌چه این رفتار با هدف فحشا و هرزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضا و جوارح یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.» همچنین این قانون در ماده بعدی در مورد قاچاق اطفال و نوجوانان به جرم‌انگاری پرداخته است. در مورد قاچاق اعضا و جوارح نیز ماده ۱۳ بیان کرده: «هرکس مرتکب انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان شود، به مجازات حبس درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.»

### ختنه

ختنه کودکان در ایران یک امر مرسوم است که بیش‌تر مبنای شرعی دارد. به راحتی می‌توان گفت اکثریت قریب به اتفاق کودکان پسر در ایران ختنه می‌شوند. در برخی مناطق کشور ختنه در مورد دختران نیز رایج است. ختنه دختران بیش‌تر با عنوان «ناقص‌سازی جنسی» مطرح می‌شود. گرچه در مورد اینکه ختنه پسران از لحاظ علمی امر صحیحی است یا نه نظرات مختلفی ارائه شده، اما در مورد ختنه دختران متخصصان شک ندارند که این عمل آسیب‌های زیادی به کودک وارد می‌کند. به همین دلیل ختنه دختران نوعی خشونت خاص فرهنگی علیه کودک محسوب می‌شود. در قوانین ایران ماده‌ای وجود ندارد که ختنه را ممنوع کرده باشد. در مورد پسران گفته می‌شود این یک عمل جراحی برای سلامتی است و توجیه قانونی دارد، اما در مورد دختران هیچ توجیه قانونی وجود ندارد. در کل می‌توان گفت ختنه نوعی آسیب‌زدن به کودک است که در مورد دختران یک خشونت و ناقص‌سازی محسوب می‌شود.

## کودکان همراه مادر زندانی

از چالش‌های دیگری که در حوزه حقوق کودک در ایران وجود دارد، وضعیت کودکانی است که همراه با مادران محکوم خود در زندان به سر می‌برند. یعنی برخی از مادران زندانی که فرزند کوچک دارند و شخصی هم وجود ندارد که کودک را به او بسپارند، بنابراین مجبور می‌شوند حبس خود را به همراه کودک‌شان تحمل کنند. در برخی موارد کودک شیرخوار به همراه مادرش زندانی می‌شود و سال‌ها در زندان می‌ماند. این کودکان قطعاً آسیب‌های زیادی را متحمل می‌شوند. از جمله اینکه بیش‌تر در معرض خشونت هستند یا اینکه حق سلامت آن‌ها بسیار محدود می‌شود. این کودکان از بسیاری از امکانات زندگی محروم هستند بدون اینکه خودشان تقصیری داشته باشند. هم‌اکنون صدها کودک در ایران به همراه مادران‌شان در زندان هستند. در ماده ۵۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده که: «اطفال تا سن دو سال تمام را نباید از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است جدا کرد، مگر آنکه مصلحت طفل اقتضا کند. در این صورت کودک به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی، به ترتیب به جد پدری یا وصی آن‌ها یا نزدیکان وی با رعایت مراتب ارث و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت آنان، به مؤسسات ذی‌صلاح سپرده می‌شود.» همچنین بر اساس ماده ۱۵۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها امکان اینکه یک مادر کودک خود را تا شش سالگی در زندان نگه دارد وجود دارد. اصولاً اینکه کودک از مادر جدا نشود یک مقدره مثبت است، اما وقتی مادر زندانی می‌شود باید تدابیری اندیشید که تا حد ممکن کودک از فضای زندان دور بماند. مثلاً می‌توان در زندان مهدکودک‌های مجهزی تأسیس کرد تا کودکان بیش‌تر وقت خود را به جای بند

زنان در آن مهدکودک سپری کنند. در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها آمده است که مسئولان زندان باید تمهیدات لازم را برای دایرکردن مهدکودک در زندان فراهم کنند تا اطفال دو تا شش سال در آنجا تحت آموزش متناسب قرار گیرند. (تبصره ماده ۱۵۸) بر اساس گزارش‌ها فقط در برخی از زندان‌های کشور بند جداگانه‌ای برای نگهداری مادران زندانی دارای کودک وجود دارد و در برخی زندان‌ها مهدکودک ساخته شده. اما مکان‌هایی که نام مهدکودک بر آن گذاشته‌اند در اصل یک اتاق کوچک بدون امکانات است که کودکان زندانی در آنجا مشغول بازی می‌شوند. به عبارتی مسئولین صرفاً برای رفع تکلیف چنین اقدامی کرده‌اند و این مکان‌ها به هیچ‌وجه با هدفی که برای آن در نظر گرفته شده متناسب نیست.

### کودکان بی‌شناسنامه

چالش مهم دیگری که در برخی از نقاط کشور در مورد کودکان وجود دارد، موضوع کودکان بدون شناسنامه است. همان‌طور که در مبحث مربوط به حق تابعیت ذکر کردیم، در برخی از مناطق کشور از جمله سیستان و بلوچستان ده‌ها هزار کودک بدون تابعیت و بی‌شناسنامه وجود دارد. در اکثر موارد پدر و مادر آن‌ها نیز فاقد شناسنامه هستند یا والدین آن‌ها بی‌توجه بوده و به دلیل فقر فرهنگی اقدام به اخذ شناسنامه نمی‌کنند. در این میان مقوله‌ای به نام «مشکوک التابعه» وجود دارد. یعنی دولت ایران در مورد اینکه برخی از افراد ایرانی هستند یا نه تردید دارد. در بعضی موارد دولت ایران معتقد است که این افراد افغانستانی یا پاکستانی هستند و بدون رعایت مقررات سال‌هاست که در ایران ساکن شده‌اند. نداشتن تابعیت خودبه‌خود باعث محرومیت کودک از بسیاری از

حقوقش می‌شود. مثلاً این کودکان نمی‌توانند در مدارس ثبت‌نام کرده یا از خدمات درمانی در خیلی از بیمارستان‌ها استفاده کنند. جهت اخذ شناسنامه برای این کودکان سازوکاری پیش‌بینی شده، اما این سازوکار بسیار کند بوده و اغلب به نتیجه نمی‌رسد.

## منابع:

- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹
- پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۱۹
- قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲
- قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱

◀◀ با پیدایش و رشد اندیشه‌های انسان‌محور، کودک نیز به یکی از مقوله‌های مهم در حوزه مطالعات حقوق بشر تبدیل شد. در این اندیشه، کودک موجودی تلقی نمی‌شود که صرفاً برای بقای نسل آدمی به وجود آمده؛ بلکه کودک موجودی است صاحب حق.

در این کتابچه سعی شده که کودک از منظر حقوقی بررسی شود و حقوق کودک با زبان و ادبیات ساده و همه‌فهم توضیح داده شود. در کتابچه حاضر به قوانین بین‌المللی و داخلی اشاره شده و چالش‌های که مقابل حقوق کودک در کشور وجود دارند بررسی شده است.

